

(و مانند او را همیشه برای ما پیرو راند . ابوالعباس از این نام - ناشئی - خوشش)  
(آمد ، و خود را بآن ملقب داشت . و این مطلب را ابن جنید برای من حکایت)  
(کرد .<sup>۱</sup>)

۱- نسخه چستربیتی در اینجا بپایان میرسد و در پای این صفحه دارد مقابله شد .

### اضافات تکلمة الفهرست

از ابوالعباس ناشئی فقط همین اشعار است :

الاتلجلج فی الوصف الذی وصفا	و شادن ما توخی و صفه احد
يعود من حسنه غضا اذا قطفنا	يلوح فی خده و رد علی زهر
لا يضعفان القوی الا اذا ضعفا	لا شیئی اعجب من جفنیه انهما

و بیش از این در باره (ناشئی) چیزی ندارد و ما هم ضرورتی در ترجمه آن مشاهده  
نمینمائیم .

### ابوعلی جبائی

نامش محمد بن عبدالوهاب بن سلام، از معتزلیان بصره، و کسی است که کلام را سهل  
و آسان کرده و مشکلات آن را برطرف نمود . و ریاست معتزلیان بصره - بدون حرف -  
با او منتهی گردید . و او از ابو یعقوب شحام آموخته بیصره رفت و بامتکلمان آنجا صحبت‌هایی  
داشته ، و از آنجا بیغداد آمد و در مجلس ... نابینا حاضر میشد و در آنجا سخنانی گفت  
که دانش و فضلش آشکار گردید . از آنجا بعسکر رفت . ولادتش در سال ۲۳۵ و وفاتش در  
سال ۳۰۳ بود . به پسرش ابوهاشم وصیت کرده بود که او را در همان عسکر بخاک سپارد  
ولی ابوهاشم امتناع کرده و جنازه او را به (جنی) برده و در مقبره که مادر ابوعلی و مادر  
ابوهاشم دفن و در گوشه از باغ بوعلی بود - بخاک سپرد . عبدالله کوکبی با بوعلی گفت ،  
من از شیر خوشم نمی‌آید ، در جوابش گفت ، عربی که شیر را خوش نداشته باشد مانند يك  
هاشمی است که معاویه را دوست بدارد . ابوعلی گوید ، بصاحب زنج که خبر رسید فلان  
سر کرده‌اش کشته شد ، این شعر را خواند :

اذا فارسٌ منّا مضی لسبیله      عَرَضْنَا لِأَطْرَافِ الْأَيْنَةِ آخِرُهُ

دنباله پاورقی در صفحه بعد

واسطی<sup>۱</sup>

ابو عبدالله محمد بن یزید واسطی ، از برجستگان متکلمان معتزله و بزرگان آنان بود ، و از ابوعلی جبائی آموخت ، و خود را از بستگان او میدانست . در زمان اوصدائی بالاتر از صدایش نبود ، و پیروان بسیاری داشت . گویند که از متکلمان بغداد بشمار میرفت ، و صحیح هم همین است و منزلش در فصیل<sup>۲</sup> بود .

دنباله پاورقی از صفحه قبل

رمانی<sup>۳</sup>

سری رفاء همسایه ابوالحسن علی بن عیسی رمانی در سوق العطش بود ؛ و غالب اوقات از کنار رمانی ؛ که بر در خانه اش می نشست . گذر میکرد و بقصد فریب دادنش با اوسخن میگفت و خواهش میکرد که مذهب اعتزال را بپذیرد ؛ چون سری از شیعیان بود و این سخنان هم بدر از او کشید این اشعار را گفت :

قَرَاءاً يَفْلُ السَّيْفِ عِنْدَ قِرَاءِهِ	أَقَارِعُ أَعْدَاءِ النَّبِيِّ وَاللَّهِ
سَيَجْزِي غَدَاةَ الْبَعْثِ صَاعًا بِصَاعِهِ	وَأَعْلَمُ كُلَّ الْعِلْمِ أَنْ وَلِيَهُمْ
وَلَا زَالَ مَنْ عَادَاهُمْ فِي اتِّبَاعِهِ	فَلَا زَالَ مَنْ وَالَاهُمْ فِي عُلُوهِ
عَنْ الشَّرَفِ الْعَالِيِ بِهِمْ وَارْتِفَاعِهِ	وَمُعْتَزِلِي رَامَ عَزْلٍ وَلَا يَتِي
وَلَا أَدْنَى الْفِرَاقِ فِي اتِّبَاعِهِ	فَمَا طَاوَعَتْنِي النَّفْسُ مَنْ أَنْ أَطِيعَهُ
لِيَنْقَلِ مَطْبُوعِ الْهَوَى عَنْ طِبَاعِهِ	طَبِعَتِ عَلَيَّ حُبَّ الْوَصِيِّ وَلَمْ يَكُنْ

## ابن زید

از قاضی ابو محمد عبدالله بن احمد بن زید است :

أَخَاهُ حَسَنَ عِلْمِهِ عَنِ جَنَسِهِ	أَلْعَالِمِ الْعَاقِلِ ابْنَ نَفْسِهِ
فَانَّمَا الْمَرْءُ بِفَضْلِ كَيْسِهِ	كُنْ ابْنَ مَنْ شِئْتَ وَكُنْ مُكْمَلًا
وَبَيْنَ مَنْ تَكْرِمَهُ لِنَفْسِهِ	كَمْ بَيْنَ مَنْ تَكْرِمَهُ لِأَصْلِهِ

۱- از اینجا نسخه خطی شهید علی پاشا شروع میشود . و ما ممیزات این نسخه را در مقدمه گفته ایم و حرف (ش) در این ترجمه اشاره بآنست . و همچنین در چاپ فلوکل و مصر مقاله پنجم از - الواسطی - شروع میشود .

۲- فصیل خانه هائی است که در کنار باروی شهر باشد (منتهی الأرب) .

۳- رمانی قبلاً ذکر شده (رجوع شود بصفحه ۱۰۷ و ۳۲۲ این کتاب) .

در لطافت روح و معاشرت ، کسی بیایه او نمیرسید، و با این وصف از شاعران بود و نبطویه را باین اشعار هجو کرده است .

مَنْ سَرَّهُ أَنْ لَا يَسْرِي فَاَسْقَاً  
فَلْيَتَجَنَّبْ أَنْ يَسْرِي نَبْطَوِيَهٗ<sup>۱</sup>  
أَحْرَقَهُ اللَّهُ بِنِصْفِ اسْمِهِ  
وَصَيَّرَ الْبَاقِي صُرَاخًا عَلَيْهِ<sup>۲</sup>

و از گفته‌های نغز او درباره نبطویه این است : کسیکه بخواهد بآخرین مرحله نادانی و جهالت برسد، باید کلام را بذهب ناشئی ، و فقه را بذهب داود ، و نحورا بذهب نبطویه بیاموزد - و باز گوید : و نبطویه کلام را بذهب ناشئی ، و فقه را بذهب داود عمل میکرد، و خودش هم که نبطویه بوده بنابراین ، خود او آخرین مرحله جهالت و نادانی را دارد .

واسطی چهار سال پس از ابوعلی در گذشت ، و بقولی در سال سیصد و شش و فوات یافت و این کتابها از اوست : کتاب اعجاز القرآن فی نظمه و تألیفه . کتاب الامامه - که بخوبی آنرا تألیف کرده است ....

## و از اصحاب واسطی

ابوالعباس کاتب است ، که نامش .... و این کتاب از اوست : کتاب نقض کتاب الاراده صفة فی الذات .

## ابن اخشید

ابوبکر احمد بن علی بن معجور الاحشاد، از فضلاء و پرهیزکاران ، و زاهدان معتزلیان است . کشت زاری داشت که مایه زندگانش بود و بیش از نیم در آمد خود را صرف<sup>۳</sup> علم و دانشجویان میکرد، و با این احوال فصاحتی داشت، و عربیت و فقه را میدانست ، و چندین کتاب در فقه تألیف کرده ، و خانه اش در سوق العطش<sup>۴</sup> در کوچه معروف بدر ب الاحشاد ، بود

۱- کسیکه شادیش باین است که فاسقی را نبیند باید از دیدن نبطویه پرهیز نماید .  
۲- خداوند ویرا به نیمی از نامش آتش زده ، و نیمی دیگر را برای شیون و زاری بر او گذاشت .

۳- ف ( نصف اکثر ) ش ( یصرف اکثر ) .

۴- سوق العطش محله ایست در بغداد ( ر.ك. دليل خارطة بغداد ۱۲۲ ) .

و همیشه بمباشر ملك خود میگفت ، در کارهای ملك هیچ سخنی با من نگو ، و همین قدر سعی کن که باندازه که مورد نیاز و سدرمق من باشد بمن برسانی ، و مرا بحال خود بگذار تا بکار دانش و آخرت خود پردازم .

وفاتش در هشت روز بآخر ماه شعبان سال سیصد و بیست و شش اتفاق افتاد . و این کتابها از اوست : کتاب المعونة فی الاصول . با تمام نرساند . کتاب المبتدی . کتاب نقل-القرآن . کتاب الاجماع . کتاب النقض علی الخالدي فی الارحاء . کتاب اختصار کتاب ابی-علی فی النفی والاثبات . کتاب اختصار ( کتاب ) التفسیر للطبری .

### حصینی

ابوالحسین عبدالواحد بن محمد حصینی ، از اصحاب ابوالعباس احمد بن محمد ، و از وی آموخت ، از کتابهای اوست ....

### اصحاب ابن اخشید

ابوالعلاء .... و ابوالحسن علی بن عیسی ، و ابو عمران بن رباح ، و ابو عبدالله حنشی بودند .

### نام کتابهاییکه ابوالحسن علی بن عیسی<sup>۱</sup>

#### در کلام تصنیف کرده است

ما در مقاله نحویان نامی از ابوالحسن برده ایم ، در اینجا نیز کتابهاییکه در کلام دارد ذکر مینمائیم که از آن جمله است کتاب ....

### معتزلیانی که بجز نام چیزی از ایشان نمیدانیم

ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن عماد معتزلی ... و این کتابها از اوست : کتاب نقض کتاب ابی بشر<sup>۲</sup> فی ایضاح البرهان .

۱- ش در حاشیه بخطی دیگر نوشته ( او رمانی است ) .

۲- ف ( ابی بشر ) .

### حسن بن ایوب

از متکلمان است ... و این کتاب از اوست : کتاب الی اخیه علی بن ایوب فی الرد علی النصارى و تبیین فساد مقالاتهم و تثبیت النبوة .

### ابن رباح

ابو عثمان موسی بن رباح ، از متکلمان بمذهب ابوعلی است . و بر ابوبکر بن اخشید ، و صمیری و متکلمان دیگر قرائت داشته ، و گویند هنوز در قید حیاة ، و در شهر مصر بوده ، و عمرش از هشتاد بیشتر ، و تولدش در ... و از کتابهای اوست ...

### ابن شهاب

ابوالطیب ابراهیم بن محمد بن شهاب ، از بلخی و خیاط و دیگران آموخته و پس از سال سیصد و پنجاه ، با سالخوردگی زیادی در گذشت ، و ولادتش در سال .... بود . و این کتاب از اوست : کتاب مجالس الفقهاء ، و مناظراتهم . در حدود چهارصد ورق .

### ابن خلال قاضی

(ابوعمر احمد بن محمد بن حفص خلال بصری ، که در بصره بدنیا آمده صیمری ، و ابوبکر بن اخشید را دیده و از هر دو آموخته . و قضاوت شهر حره<sup>۱</sup> را که همان حدیثه است داشت . و بعد قضاوت تکریت<sup>۲</sup> را باو دادند که تا کنون در همانجاست . و این کتابها از اوست : کتاب الاصول . کتاب التشابه .

### ابوهاشم و اصحابش

ابوهاشم عبدالسلام بن محمد جبائی ، در سال سیصد و چهارده بمدینه السلام آمد . مردی با ذکاوت ، و خوش فهم و هوشمند ، و آفریننده کلام بود و بر آن توانائی و تسلط داشت . وفاتش

۱- حره - در اینجا حدیثه الموصول است (ر.ک. معجم البلدان) .

۲- تکریت شهر است در طرف راست ساحل دجله در شمال سامراء که گویند زادگاه صلاح الدین ایوبی بوده (اعلام المنجد) .

در سال سیصد و بیست و یک . این کتابها از اوست : کتاب الجامع الكبير . کتاب الابواب - الصغير . کتاب الجامع الصغير . کتاب الانسان . کتاب العوض . کتاب المسائل العسكريات . کتاب النقض على ارسطاليس فى الكون والفساد . کتاب الطبائع و النقض على القائلين بها . کتاب الاجتهاد .

### ابن خلد بصرى

ابوعلی محمد بن .... خلد، از اصحاب ابو هاشم بود که بعسکرا رفته و از او آموخته و از برجستگان اصحابش بشمار میرفت . و این کتاب از اوست : کتاب الاصول . و کسانیکه از ابو هاشم آموختند ، و تألیفی نداشتند ، یکی معروف بقشور ، و نامش ... بن سهلویه و مکنی بابوالقاسم بوده و دیگری عبدالله بن خطاب ، معروف بحمل عایشه است .<sup>۲</sup>

### بصرى ، معروف بجعل

ابو عبدالله حسین بن علی ... بن ابراهیم ، شهرتش کاغذی ، از مردم بصره است که در هماغجا بدنیا آمده ، و استاد او ، ابوالقاسم بن سهلویه ، ملقب بقشور بود . و پیروی از مذهب ابو هاشم میکرد و در زمان خود بر اصحاب او ریاست پیدا کرد . فاضل و فقیه و متکلم ، و دارای اخلاقی بلند<sup>۳</sup> و نجابت و بزرگواری بوده و نامش در همه جاها و شهرها بویژه خراسان انتشار داشت . در فقه پیرو مذاهب مردم عراق و بر ابوالحسن کرخی قرائت کرده بود . ما در اینجا بذکر کتابهای او در کلام میپردازیم ، و کتابهای فقهی او در مقاله فقها ذکر

۱- رجوع شود بصفحه ۱۰۲ این کتاب .

۲- ف (المعروف بقشور واسمه ... و عبدالله بن خطاب و يعرف .... بن سهلویه محمل عایشه و یکنی ابوالقاسم) و این اشتباه از اینجا ناشی شده که در نسخه خطی ، این دو نام و مشخصاتشان بطور عمودی نوشته شده و فلوگل افقی خوانده است و توجهی به سه سطر بعد در شرح حال بصری معروف بجعل نکرده است . و احتمال می رود کلمه (بحمل) که در نسخه خطی آمده تصحیف (بجمل - یا بمحمل) باشد . (رجوع شود به چاپ فلوکل ص ۱۷۴ - چاپ مصر ،

ص ۲۴۸ .)

۳- ف (عالی الذکر) ش (عالی الزفر) و یکی از معانی زفر (عظیم الخلق) است

(ر.ک. اقرب الموارد .)

خواهد شد ، انشاءالله تعالى . و نیز بر ابو جعفر معروف بسهکلام<sup>۱</sup> صیمری عبادانی<sup>۲</sup> ، و ابوهاشم عبدالسلام بن محمد ، قرائت داشته ، و مصاحب با ابوعلی بن خلاد بود . ولادتش در سال سیصد و هشت ، و در سال سیصد و شصت و نه<sup>۳</sup> درگذشت . و این کتابها از اوست : کتاب نقض کلام الراوندی فی ان الجسم لایجوز ان یکون مخترعاً من لاشئی ، و نقضه لنقض الرازی لکلام البلخی علی الرازی . کتاب نقض کتاب الرازی فی انه لایجوز ان یفعل الله تعالی بعد ان کان غیر فاعل . کتاب الجواب عن مسئله الشیخ ابی محمد الرامهرمزی . کتاب الکلام فی ان الله تعالی لم یزل موجوداً ولاشئی سواه الی ان خلق الخلق<sup>۴</sup> کتاب الایمان . کتاب الاقرار . کتاب المعرفة .

(در کتاب التمهید)

ویدم مقاله ۱۰ ، الفهرست

تفسیر ص ۱۰۷

کتاب الایمان ص ۱۰۷

ص ۱۰۷

کتاب الایمان ص ۱۰۷

ص ۱۰۷

کتاب الایمان ص ۱۰۷

کتاب الایمان ص ۱۰۷

کتاب الایمان ص ۱۰۷

۱- سهکلام از سهاک بمعنی بلیغ است (ر.ک. اقرب الموارد) .

۲- ف (العباداتی) . ۳- ف (نود و نه) .

۴- ف (الی ان کتاب ... خلق الخلق) .





و معنی شرطة الخمیس این است که علی علیه السلام<sup>۱</sup> باین گروه گفت : بیائید هم پیمان شویم ، و من با شما برای رفتن بهشت ، نه برای طلا و نقره هم پیمان میشوم ، چون در زمان گذشته یکی از پیامبران به پیروان خود گفت : من با شما برای هیچ چیزی پیمان نبندم جز برای بهشت .

### علی بن اسماعیل بن میثم تمار

اولین سخنگوی مذهب امامیه، علی بن اسماعیل بن میثم تمار<sup>۲</sup> بود، و میثم از بزرگان اصحاب علی علیه السلام<sup>۳</sup> است، و این کتابها از اوست : کتاب الامامة . کتاب الاستحقاق .

### هشام بن حکم

ابو محمد هشام بن حکم، بردهٔ بنی شیبان، از کوفه ببنگداد نقل مکان کرد، و از اصحاب ابو عبدالله جعفر بن محمد علیه السلام<sup>۴</sup> و از متکلمان شیعه و از کسانی است که در امامت پرده از سخن برداشت و این مذهب را بدلیل و برهان مهذب داشت ، و در صنعت کلام حاذق و حاضر جواب بود. از هشام پرسیدند آیا معاویه در جنگ بدر حاضر بود ، جواب داد ، آری ، از آن طرف .

هشام پیوسته با یحیی بن خالد برمکی بود ، و مجالس بحث او را در کلام و نظر اداره میکرد . و در کرخ<sup>۵</sup>، مدینهٔ السلام<sup>۶</sup> منزل داشت . و پس از سرکوبی برمکیان بمدت

۱- ف (رضی الله عنه) .

۲- ف (الطیار) .

۳ و ۴- ف (رضی الله عنه) .

۵- نام دهکده ایست و محله بزرگ بنگداد را که در دوران بنی عباس در طرف غربی بنگداد ساخته شد ، بآن نسبت داده اند و در این اواخر تمام غرب بنگداد را کرخ مینامند (دلیل خارطة بنگداد ص ۱۱) .

۶- رجوع شود بصفحة ۶۷ این کتاب .

کمی ، در پنهانی از دنیا رفت، و بقولی ، در خلافت مأمون بود و این کتابها از اوست :  
 کتاب الامامة . کتاب الدلالات علی حدوث الاشياء . کتاب الرد علی الزنادقة . کتاب الرد علی  
 اصحاب الاثنین . کتاب التوحید . کتاب الرد علی هشام الجوالیقی . کتاب الرد علی اصحاب  
 الطبائع . کتاب الشیخ و الغلام . کتاب التدبیر . کتاب المیزان . کتاب الميدان . کتاب الرد  
 علی من قال بامامة المفضول . کتاب اختلاف الناس فی الامامة . کتاب الوصیة والرد علی من  
 انکرها . کتاب فی الجبر والقدر . کتاب الحکمین . کتاب الرد علی المعتزلة فی طلحه والزبیر .  
 کتاب القدر . کتاب الالفاظ . کتاب المعرفة . کتاب الاستطاعة . کتاب الثمانیة الابواب .  
 کتاب علی شیطان الطاق . کتاب الاخبار کیف یصح<sup>۴</sup> . کتاب علی ارسطالیس فی التوحید . کتاب  
 المعتزله - که کتاب دیگر است .

۱- تک (هشام بن حکم بغدادی کندی ، برده بنی شیبان ، مکنی بابو محمد ، و بقولی ،  
 بوالحکم ، از مردم کوفه بود که ببغداد منتقل گردید ، و از اصحاب ابو عبدالله جعفر بن محمد  
 صادق علیهما السلام ، و یکی از متکلمان ، و خواص شیعه امامیه بود . و کسی است که صادق  
 علیه السلام در حق او دعا کرده و گفت : من بتو همانرا گویم که رسول الله صلی الله علیه و آله  
 گفته : درودیکه همیشه مؤید بروح القدس باشد بر تو باد که با زبان خود ما را کمک و یاری  
 مینمائی . و کسی است که در امامت سخن را بشکافت ، و احتجاج در آن را سهل و آسان ساخت  
 و در صنعت کلام حاذق و حاضر جواب بود .

در ابتداء از اصحاب جهنم بن صفوان بشمار میرفت ، و بعد بامامت از روی دلیل و  
 برهان قائل گردید . ویژه برمکیان ، و همیشه در ملازمت یحیی بن خالد بود و مجالس او را که  
 در کلام و نظر داشت اداره میکرد . سپس از پیروان صادق علیه السلام گردید ، و پیوسته با او  
 بود و پس از سرکوبی برمکیان بمدت کمی در گذشت ، و بقولی در خلافت مأمون بود . هشام  
 پیوسته میگفت ، من مانند مخالفان خودمان ندیده ام ، که کسی را معزول میدانند در حالیکه  
 خدا در آسمان او را ولی خود قرار داده ، و کسی را که او معزول داشته بود ولی خود میدانند .  
 و قصه ابلاغ سوره براءت ، و رد کردن ابوبکر ، و مأمور داشتن علی علیه السلام را نقل میکرد ،  
 که جبرئیل علیه السلام فرود آمد ، و از طرف خداوند برسول اکرم گفت : که این کار انجام پذیر  
 نیست مگر بوسیله خودت یا کسیکه از خودت باشد ، و او هم ابوبکر را رد کرده و علی علیه السلام  
 را بجای او فرستاد . ( رک . تکملة الفهرست ص ۷ ) .

۲- ف ( و کیف یفتح ) .

شیطان الطاق<sup>۱</sup>

ابوجعفر احول ، نامش محمد بن نعمان ، ملقب بشیطان الطاق ، و شیعیان باو لقب ، مؤمن الطاق داده بودند. وی از اصحاب ابوعبدالله جعفر بن محمد علیه السلام و متکلم حاذقی بود . این کتابها از اوست : کتاب الامامة . کتاب المعرفة . کتاب الرد علی المعتزلة فی امامة المفضول . کتاب فی امر طلحه والزبیر وعایشه رضی الله عنهم .

۱- تک (ابوجعفر محمد بن نعمان احول . در طاق المحامل کوفه اقامت داشت . عامه او را شیطان الطاق لقب داده اند. و خاصه ویرا مؤمن الطاق شناسد و پیروانش او را شاه الطاق خوانند . وی از اصحاب ابو عبدالله جعفر بن محمد اله صادق علیهما السلام بود ، و زید بن زین العابدین را ملاقات کرد ، و با او درباره امامت ابوعبدالله مناظره نموده است .  
علی بن حسین ، زین العابدین را نیز ملاقات کرد . گویند ویرا بدین جهت شیطان الطاق خواندند ، که او صرافی داشت ، و دینارها را برای گواهی نزد او میبردند و گروهی درباره یکدینار با او بمحاجه در آمدند، و پس از آزمایش معلوم شد که گفته وی صحیح ، و آنها بخطا بوده و مجابشان کرده ، و گفت : مرا شیطان الطاق ، میگویند . و منظورش طاق المحامل کوفه بود که در آنجا دکانی داشت .

و او را با ابوحنیفه مناظره هائست، از آن جمله ، هنگامیکه جعفر الصادق علیه السلام رحلت کرد ، ابوحنیفه باو گفت : امامت وفات یافت . جوابش داد ، ولی امام تو نخواهد مرد مگر در روز قیامت ، یعنی امام تو ابلیس است . ابوحنیفه باو گفت ، درباره متعه چه عقیده داری، جوابش داد ، حلال است ، گفت پس خشنود میشود که از خواهر و دخترانت بهره برداری کنند ، جواب داد ، این را خدا حلال کرده ، و اگر آنرا خوش نداشته باشم چاره جز قبولش ندارم ، ولی بگو به بینم ، تو درباره نبیند چه میگوئی : گفت حلال است ، گفت پس باید خوشحال شوی از اینکه خواهران و دخترانت نواز باشند - یعنی بپرانند . روزی ابوحنیفه باو گفت ، مگر ما با هم دوست نیستیم ، گفت چرا ، ابوحنیفه گفت تو عقیده بر جعت که داری ، گفت آری بخدا قسم . گفت من احتیاج فراوانی بمال دارم ، و تو هم توانگری ، چه شود اگر پانصد درهم بمن وام دهی تا گشایشی در کارم پیدا شود ، و من آنرا در روز قیامت بتو برمیگردانم و تو هم حق دوستی را ادا کرده و مرا از تنگدستی رهائی داده ، در جوابش گفت ، من نمیگویم که جنبیان برمیگردند . ( ر.ک. تکلمة الفهرست ص ۸ ) و شیطان الطاق در اینجا کلمه الناس استعمال کرده و کلمه - الناس - اطلاق بر جن و انس میشود ( ر.ک. اقرب الموارد ) .

سکاک<sup>۱</sup>

مصاحب هشام بن حکم ، ( نامش محمد بن جلیل ، از متکلمان ، و از اصحاب هشام بود )  
و با هشام در چیزهایی ، جز امامت ، مخالفت کرد . و این کتابها از اوست : کتاب المعرفة .  
کتاب فی الاستطاعة . کتاب الامامة . کتاب علی من ابی وجوب الامامة بالنص .

## ابن قبه

ابو جعفر محمد بن قبه ، از متکلمان حاذق شیعه بود . و این کتابها از اوست : کتاب  
الانصاف فی الامامة . کتاب الامامة .

## ابوسهل نوبختی

ابوسهل اسماعیل بن علی نوبخت ، از بزرگان شیعه است ابوالحسین<sup>۲</sup> ناشئی او را  
استاد خود میدانست . وی از فضلا ، و علماء ، و متکلمانی بود که مجلسی داشت ، و در آن  
گروهی از متکلمان حاضر میشدند . درباره قائم آل محمد ( علیه السلام ) نظریاتی داشت که  
کسی بر او سبقت نجسته است . وی میگفت : من عقیده دارم محمد بن حسن امام بود که در  
غیبت از دنیا رحلت کرد ، و جانشین او در امامت در همان غیبت ، پسرش بود . و  
همین ترتیب را سائر پسران بعد از وی دارند تا زمانیکه امر خداوند بر ظهور او مجری  
گردد .

ابو جعفر محمد بن علی شلمغانی ، معروف بابن عزافر نامه<sup>۱</sup> برایش فرستاد ، و او را  
دعوت باشو بگری نموده ، وی را ببذل ما ، و نشان دادن چیزهای شکفت انگیزی ، بسوی  
خود خواند . ابوسهل در جلو سرش ، مانند کلان موئی نداشت . بفرستاده او گفت ، من  
نیازمندی بچیزی ندارم ، اگر رفیق تو ، بتواند این کلی سر مرا برویاندن مو برطرف  
سازد ، من باو ایمان میآورم . آن فرستاده رفت و دیگر کسی بجای او نیامد . وفات ابوسهل در . . . .  
و این کتابها از اوست : کتاب الاستیفاء فی الامامة . کتاب التنبیه فی الامامة . کتاب الرد علی-  
الغلاة . کتاب الرد علی الطاهری فی الامامة . کتاب الرد علی عیسی بن ابان فی اللباس . کتاب  
نقض رساله الشافعی . کتاب الخواطر . کتاب المجالس . کتاب المعرفة . کتاب تثبیت الرساله

۱- ف ( الشکال ) و احتمال می رود در نسخه خطی ( شکاک ) بوده و نقطه ندارد .

۲- ف ( ابوالحسن ) .

کتاب حدث العالم . کتاب الرد علی اصحاب الصفات . کتاب الرد علی من قال بالمخلوق . کتاب الکلام فی الانسان . کتاب ابطال القیاس . کتاب الحکایة و المحکی . کتاب نقص کتاب عبث الحکمه علی الراوندی . کتاب نقش التاج علی الراوندی که معروف بکتاب السبک است . کتاب نقص اجتهاد الرأی علی ابن الراوندی . کتاب الصفات .  
و ابوسهل برادری داشت مکنی بابو جعفر ، از متکلمان بمذهبهش بود ، و از کتابهای اوست ...

### حسن بن موسی نوبختی

ابومحمد حسن بن موسی، پسر خواهر ابوسهل بن نوبخت، متکلم و فیلسوفیست ، که در منزلش گروهی از مترجمان برای ترجمه کتابهای فلسفه جمع میشدند ، مانند ابو عثمان دمشقی ؛ واسحاق ، و ثابت ، و دیگران . و معتزلیان ویرا از خودشان میدانستند ، و همچنین شیعه او را از خود میدانست ، ولی او بطرف شیعیان تمایل بیشتری داشت . زیرا خاندان نوبخت بمحبت علی و فرزندان علیهم السلام ، در ظاهر معروفیت داشتند ، و بهمین جهت ما در اینجا بذکر آنان پرداختیم . حسن بجمع آوری کتاب علاقمند بود ، و چیزهای بسیاری را نسخه برداری کرده ، و در کلام و فلسفه و غیره تألیفات و تصنیفات داشت ، وفاتش در ... و این کتابها از اوست : کتاب الاراء و الدیانات . باتمام نرسید . کتاب الرد علی اصحاب التناسخ . کتاب التوحید و حدث العلل . کتاب نقض کتاب ابی عیسی فی الغریب المشرقی . کتاب اختصار الکون و الفساد لارسطالیس . کتاب الاحتجاج لعمر و بن عباده نصره<sup>۲</sup> لمذهبه . کتاب الامامة ناتمام .

### سوسنجر دی

از غلامان ابوسهل نوبختی ، نامش محمد بن بشیر<sup>۲</sup> ، مکنی بابوالحسین<sup>۳</sup> معروف بحمدونی ، برای نسبت بخاندان حمدون ، و این کتاب از اوست : کتاب الانقاد<sup>۴</sup> فی الامامة .

### و از قدیمیان

طاطری است، که از شیعیان، و نامش... و در شیعه گری تنقلاتی داشت ، و کتاب الامامه نیز دارد . و همچنین حسن ، و هشام جو الیقی . و ابوملک حضرمی از قدیمیان شیعیانند .

۱- ش (بع) بی نقطه .  
۲- ف (بشر) .  
۳- ف (اباالحسن) .  
۴- ف (الانفاذ) .

### ابن مملک اصفهانی

ابو عبدالله بن مملک اصفهانی . از متکلمان شیعه است . و با ابوعلی جبائی در امامت و اثبات آن ، مجلسی در حضور ابو محمد قاسم بن محمد کرخی دارد . و این کتابها از اوست : کتاب الامامه . کتاب نقص الامامه علی ابی علی - ناتمام .

### ابو جیش بن خراسانی

نامش مظفر . . . . . و این کتابها از اوست . . . . .

### غلام ابو جیش

### نا شئی صغیر

ابوالحسین علی بن وصیف ، اشعار بسیار خوبی درباره اهل بیت علیهم السلام دارد ، و متکلم دانشمندی بود . این کتابها از اوست . . . . .

### ابن معلم

ابو عبدالله . . . . . که هم اکنون بر متکلمان شیعه ریاست دارد ، و در صنعت کلام بمذاهب اهلش بر همه مقدم . و دارای دقت نظر و افکار صائبی است . من او را دیده و بسیار دانشمند یافتم . این کتابها از اوست . . . . .

### زیدیه

زیدیه بکسانی گویند که بامامت زید بن علی علیه السلام اعتقاد دارند . و پس از او امامت را در فرزندان فاطمه - هر کس که باشد - میدانند ، با این قید که شرائط امامت ذراو جمع باشد . و بیشتر متأخران ، مانند سفیان بن عیینه ، و سفیان ثوری ، و صالح بن حی از پیروان این مذهبند . و ما اخبار این اشخاص را بقتناسب شهرت علمی یا دینی که دارند در جای خود

ذکر خواهیم نمود . انشاءالله تعالی .

### ابوجارود

از علماء زیدیه، مکنی بابونجم، زیادبن منذر عبدی است . گویند<sup>۱</sup> از جعفر بن محمد بن علی علیه السلام، درباره او سئوالی شد، جواب داد: کاریکه ابو جارود کرد ارجاء<sup>۲</sup> پس از تولائی بود که بامامت داشت، و از دنیا هم نمیرود، مگر در همان حال . (سپس) گفت، خدا او را لعنت کند . که از دل و دیده کور است .  
محمد بن سنان درباره او گوید: ابوجارود، از دنیا نرفت، مگر هنگامیکه شراب نوشید، و بدوستی با کافران گروید .

### از متکلمان زیدیه

فصیل<sup>۳</sup> رسان، پسر زبیر از اصحاب محمد بن علی . و ابو خلف<sup>۴</sup> واسطی . و منصور بن اسود، بودند .

### حسن بن صالح بن حی

حسن بن صالح بن حی در سال یکصد تولد یافته، و در سال یکصد و شصت و هشت در حال پنهانی از دنیا رفت . و در شمار بزرگان زیدیه و سرآمدان، و علما، آنان و متکلم و فقیه بود. این کتابها از اوست: کتاب التوحید . کتاب امامة ولد علی من فاطمه . کتاب الجامع فی الفقه . کتاب ....

حسن دو برادر داشت، یکی علی بن صالح، و دیگری صالح بن صالح، که هر دو مذهب برادرشان حسن را داشتند، و علی از متکلمان بود .

محمد بن اسحاق گوید: بیشتر علما، متأخران از زیدیه بودند، و همچنین گروهی

۱- ف (فقال) ش (یقال) .

۲- ارجاء، دو معنا دارد، یکی تأخیر و مهلت، و یکی هم، امید دادن . اما اطلاق مرجئه بر این گروه، بمعنای اولی درست است، چون قائل بتأخر عمل از نیت و قصد میباشند؛ و بمعنای دوم نیز روشن است، برای آنکه میگویند گناه ضرری بایمان نمیزند، چنانکه طاعت با کفر سودی ندارد (ر.ک. ملل و نحل شهرستانی . جلد ۱ ص ۲۲۲) .

۳- ف (فضیل) . ۴- ف (ابو خالد) .





# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فن سوم - از مقاله پنجم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر

اخبار مجبره<sup>۱</sup> و بابیه حشویه<sup>۲</sup> و نام کتابهای آنان

نچار

ابو عبدالله حسین بن محمد بن عبدالله نچار<sup>۳</sup>. از بافندگان کارگاه دیبا بافی عباس بن محمد هاشمی بوده، و از بزرگان متکلمان مجبره بشمار میرفت، و بقولی ترازوساز، و از مردم قم<sup>۴</sup> بود

---

۱- مجبره بکسانی گفته میشود که عقیده دارند تمام کارها از خدا بوده و حقیقتاً از بندگان کاری سرنمیزند، و گروه کلابیه، و اشعریان، آنان را گاهی بنام حشویه، و گاهی بنام جبریه خوانده‌اند. (ر.ک. ملل و نحل شهرستانی ج ۱ ص ۱۱۲).  
۲- رئیس فرقه نچاریه (ر.ک. ملل و نحل شهرستانی ج ۱ - ص ۱۱۶ - تا - ۱۲۰).  
۳- رئیس فرقه  
۴- ف (بم).

هنکام سخن گفتن صدائی مانند خفاش داشت . و بسیار زیرک و با فراست بود ، با نظام مجلسهای مناظره داشت و علت مرگش هم این بود که با ابراهیم نظام در خانه یکی از دوستانش ملاقات نموده و باو سلام کرد ، ابراهیم بوی گفت بنشین تا با تو سخنی گویم ، حسین نشست . ابراهیم گفت : آیا ممکن است آنچه را که آفریده خداست تو هم بیافرینی ، حسین جوابش داد ممکن است من آنرا چنان کنم که خدا آفریده ، ابراهیم گفت ، آفریده خدا همان است که او آفریده ، مگر آفریده او نیست ، حسین گفت آفریده خداست . ابراهیم گفت پس توهم همانرا کرده که خدا آفریده ، و از این رو چرا نباید توهم آفریده خدا را بیافرینی ، همچنانکه تو همانرا میکنی که خدا آفریده است . حسین گفت ، من آفریده خدا را نکرده ام ، بلکه آنرا کرده ام ، که خدا آفرید ، ابراهیم گفت ، آفریده خدا همانست که او آفریده ، مگر آفریده او نیست . حسین گفت ، آفریده خداست . ابراهیم لگد سختی باو زده و گفت برخیز ، خدا ذلیل کند کسی را که بتو دانش و فهمی نسبت دهد ، او هم با سوز تب از آنجا رفت . و علت مرگش همان بود . و این کتابها از اوست : کتاب الاستطاعة . کتاب کان یكون . کتاب المخلوق . کتاب الصفات والاسماء . کتاب اثبات الرسل . کتاب التعديل والتجويز . کتاب الارادة صفة فی الذات . کتاب الارحاء . کتاب العبادات . کتاب الارادة الموجبة . کتاب القضاء والقدر . کتاب التاویلات . کتاب المستطیع ، علی ابراهیم . کتاب الموجز . کتاب العلل فی الاستطاعة . کتاب المطالبات . کتاب النکت . کتاب البدل . کتاب الرد علی الملحدين . کتاب الترك . کتاب اللطف والتأيید . کتاب الثواب والعقاب . کتاب الابواب . کتاب المعرفة فی الاجماع .

### حفص الفرد

(حفص الفرد) از بزرگان مجبره و مانند نجار بود . کنیه اش ابو عمر ، و از مصریانی است که بیصره آمد . و خبر ابو هذیل را که شنید ، بدیدارش رفت ، و با او مناظره هائی داشته ، و ابو هذیل ویرا مجاب نمود . وی در ابتدا از معتزلیان بشمار میرفت ؛ بعد قائل بخلق افعال گردید . و کنیه اش را ابو یحیی نیز گفته اند ، و بنوشته پسر برادر اسکافی وی برده بنی حشم بود ، و این کتابها از حفص است : کتاب الاستطاعة . کتاب التوحید . کتاب فی الخلق علی ابی الهذیل . کتاب الرد علی النصاری . کتاب الرد علی المعتزلة . کتاب الابواب فی المخلوق .

## کسانیکه از متکلمان مجبره بوده

### و تألیفاتی ندارند

سبلان، نسیان . رکان . و حسین بن کوران، بردگان ابوالحسن سمری . و ابن وکیع بنانی .

### ابن کلاب

از بابیه حشویه، نامش عبدالله بن کلاب قطان، و با عباد بن سلمان<sup>۱</sup> مناظره‌هایی دارد. و عقیده داشت کلام الله همان خداوند است . و عباد او را برای این عقیده‌اش نصرانی می‌دانست .

ابوالعباس بغوی گوید: بر فثیون<sup>۲</sup> نصرانی، که در دارالروم<sup>۳</sup> واقع در جهت غربی بغداد است در آمدیم ، و در میان سخنانی که با او داشتیم ، درباره ابن کلاب از او سئوالی کردم گفت : خدا ویرا پیامرزد نزد من می‌آمد<sup>۴</sup> و در آن گوشه مینشست - و بجائی از آن کلیسا اشاره کرد - و این عقیده را از من دارد ، و اگر تاکنون زنده میبود ، ما مسلمانان را نصرانی کرده بودیم . بغوی گوید ، محمد بن اسحاق طالقانی از وی پرسید ، شما درباره مسیح چه می‌گوئید ، گفت همان را که مسلمانان سنی درباره قرآن گویند . و این کتابها از عبدالله است : کتاب الصفات . کتاب خلق الافعال . کتاب الرد علی المعتزله .

### و از کلایان

ابومحمد ، قاضی سنیان است . و این کتاب از اوست : کتاب السنة والجماعه .

۱- ف (سلیمان) . ۲- فثیون بن ایوب از مترجمانی است که در دارالروم

مجلسی برای مناظره دینی با مسلمانان داشت (اعلام المنجد) .

۳- دارالروم نام محله‌ای در بغداد بود و آنرا بدین سبب دارالروم نامیدند که در خلافت مهدی سال (۱۵۸-۱۶۹) اسیران روم را در آنجا قرار دادند و آنان کلیسائی در آنجا ساختند که آنرا دارالروم نامیدند (دلیل خارطة بغداد ص ۱۱۶) .

۴- ف (بجنبی) ش (بجیثنی) .

### عطوی

محمد بن عطیه ، و بقولی محمد بن عبدالرحمن بن ابوعطیه ، از دوستان بنی لیث بن بکر بن عبدمناة کنانه ، و کنیه اش ابو عبدالرحمن ، از متکلمان حاذقی بر مذهب حسین نجار بود ، ولی در مسئله ادراک با او مخالفت میکرد ، و در عین حال شاعری مطبوع ، و از مردمان بصره بود که بمدینه السلام کوچ کرده و سپس از آنجا بسامرا ، رفت . و این کتابها از اوست : کتاب خلق الافعال . کتاب الادراک .

### سلام قاری

مکنی با بومندر ، که اهل عدل و ویرا ابو مدبر لقب داده اند . برده وی بکنیز کی که داشت دست درازی کرد ، سلام باو گفت ، وای بر تو ، این چه کاری است که کرده ، جواب داد ، خواست خدا بود ، سلام گفت ، تو را آزاد میکنم ، زیرا بقضاء و قدر معرفت داری ، و آن کنیزك را بعقد وی درآورد . این کتابها از اوست : کتاب ....

### عبدالله بن داود

از مجبره است . و با اصحابش بطرفی میرفت ، و آنها میدانستند که بکجا میخواهد برود ، از او پرسیدند آیا فلان و فلان را با هم صلح دادی ، گفت ، صلح دادیم ، اگر خداوند در آن فساد نکند . و این کتابها از اوست : کتاب .....

### کرا بیسی

ابوعلی حسین بن علی بن یزید مهلبی کرا بیسی ، از مجبره و عارف بحديث و فقه بود . و او را باین جهت در اینجا ذکر مینمائیم که بیش از دیگران بمجبره نزدیک بود . و در... وفات یافت و این کتابها از اوست : کتاب المدلسین فی الحدیث . کتاب الامامه - و در آن کینه توزی با علی علیه السلام کرده است .

### غلامان کرا بیسی

فستقه ، نامش محمد بن علی ( از مجبره ) . و ابن ناجیه ( از مجبره ) . و شمشه .

(از مجبره) و این کتاب از فستقه است: کتاب غریب الحدیث و تصحیح الآثار - که کتابی است است بزرگ و ناتمام .

### ابن ابوبشر

ابوالحسن علی بن اسماعیل بن ابوبشر اشعری، از مردم بصره بود، در ابتدا از معتزلیان بشمار میرفت و سپس از عقیده بعدل و خلق قرآن دست برداشته و توبه کرد. و در روز جمعه در مسجد جامع بصره بر کرسی بالا رفته و با صدای بلند گفت، آنانکه مرا می شناسند شناخته اند، و آن کس که مرا نمیشناسد، خود را بوی معرفی مینمایم، من فلان پسر فلانی هستم و میگفتم<sup>۱</sup> که قرآن مخلوق است و دیدگان خدا را نبینند، و کارهای زشت و پلید همه از من است<sup>۲</sup> و من از آن توبه نموده و دست برمیدارم، و عقیده برد معتزلیان دارم و فضایح اعمالشان را نشان خواهم داد<sup>۳</sup>.

و ابن ابوبشر شوخ مشرب و بذله گوئی داشت، و در... وفات یافت. این کتابها از اوست: کتاب اللمع. کتاب الموجز. کتاب ایضاح البرهان. کتاب التبین عن اصول الدین. کتاب الشرح و التفصیل فی الرد علی اهل الافک و التضلیل.

و از پیروان او، دمیانسی، و حمویه بودند که (هر دو) از مردم سیرافند<sup>۴</sup> و او را در دروغها، و آشوب گریهایش کمک و یاری نموده و عالم بمذهب او بودند، و کتابی از ایشان بدست نیاورده ایم.

### و از مجبره

کوشانی است، که نامش.... و با صالحی مناظره هائی داشته، و کتابهائی در این مذهب تألیف نموده، که از آن جمله است: کتاب خلق الافعال<sup>۵</sup>. کتاب الرؤیه. کتاب....

۱- ف (کتب بخلق القرآن) ش (کنت اقول بخلق القرآن). ۲- ف (و اتا افعال الشر) ش (وان افعال الشر). ۳- ف (فخرج بفضائحهم) ش (مخرج لفضائحهم). ۴- سیراف شهر بزرگی در ساحل دریای فارس است که در قدیم بارانداز کشتیهای هند بود (معجم البلدان). ۵- ف (خلق الافلاك).



ازان بعقیده بیهسیان<sup>۱</sup> گروید . و با فراست و متکلم و صاحب تألیفاتی بود . و این است کتابهاییکه دراین زمینه دارد : کتاب المخلوق . کتاب التوحید . کتاب احکام المؤمنین . کتاب علی المعترلة فی القدر . کتاب المقالات . کتاب اثبات امامة ابی بکر . کتاب الرد علی-المرجئه . کتاب الرد علی حماد بن ابی حنیفه .

### یحیی بن کامل

ابوعلی یحیی بن کامل بن طلیحه جحدری<sup>۲</sup> . در ابتدا از پیروان بشر مریمی ، و از مرجئه بود ، بعد مذهب اباضیه<sup>۳</sup> را پیش گرفت ، و این کتابها از اوست : کتاب المسائل التي جرت بینة و بین جعفر بن حرب . معروف بالجليلة . کتاب التوحید والرد علی الفلات و طوائف الشیع .

### صیرفی

ابوعلی (محمد) بن حرب ، از متکلمان خوارج ، و از هلالیان بنی هلال بود . و این کتابها از اوست : کتاب ....

### عبدالله بن یزید اباضی

از بزرگان ، و متکلمان خوارج است و این کتابها از اوست : کتاب التوحید . کتاب علی المعترلة . کتاب الاستطاعة . کتاب الرد علی الرافضة .

### حفص بن اشیم

از خوارج ، و این کتاب از اوست : کتاب الفرق و الرد علیهم - که از جبیر بن غالب روایت کرده است .

### و از مردمان پرهیز کار خوارج

طالح ، وداود ، و زیاد اعصم ، میباشند که درمسائلی با هم مختلفند ، و کتابی ازایشان

۱- بیهسیان - پیروان ابوبیهس هیصم بن جابر از بنی سعد بن ضبیعة بن قیس ( ر. ک. ملل و نحل شهرستانی ج ۱ - ص ۱۹۶ ) .

۲- ف ( الخدري ) . ۳- اباضیه - پیروان عبدالله بن اباض ، از بنی مره بن عبید ، از بنی تمیم ( ر. ک. ملل و نحل شهرستانی ج ۱ - ص ۲۱۲ ) .





# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فن پنجم - از مقاله پنجم

از کتاب الفهرست

در اخبار علماء و کتابهاییکه تصنیف کرده‌اند

مشمول بر

اخبار جهانگردان و زاهدان و عابدان و صوفیانی که

در حوادث زمانه و اوهام پیشگوئی داشتند

محمد بن اسحاق گوید : بخط ابو محمد جعفر خلدی که یکی از رؤساء صوفیان و مردی پاکدامن و زاهد بود خواندم ، و آنچه را که بخطش خوانده بودم شفاهاً نیز بمن گفت که : من از ابوالقاسم جنید بن محمد آموخته‌ام و بگفته‌ام وی ، او از ابوالحسن سری بن مغلس سقطی آموخته ، و سری از معروف کرخی ، و معروف کرخی از فرقد سنجی ، و او نیز از حسن بصری ، و حسن از انس بن مالک آموخته ، و حسن هفتاد نفر از بدریان<sup>۱</sup> را دیده

۱ - بدریان بکسانی گویند که در جنگ بدر در کاب پیامبر بوده‌اند. (ر.ک. منتهی‌الارب).

بوده است .

## نام عابدان و زاهدان و صوفیان

### بنوشته او<sup>۱</sup>

حسن بن ابوالحسن بصری - که پیش از این گفته شد . محمد بن سیرین . هرم بن حیان . علقمة اسود . ابراهیم نخعی شعبی . مالک بن دینار . محمد بن واسع . عطاء سلمی . مالک بن انس . سفیان ثوری - که ذکرش خواهد آمد . اوزاعی - که ذکرش خواهد آمد . ثابت بنانی . ابراهیم تیمی . سلیمان تیمی - که پیش از این گفته شد . فرقد سنجی . ابن سماک . عتبه بن غلام . صالح مری - دهقان . ابراهیم بن ادهم . عبدالواحد بن زید ابن منکدر . محمد بن حبیب فارسی . ربیع بن خيثم . ابو معاویه اسود . ایوب سختیانی . یوسف بن اسباط . ابوسلیمان دارانی . ابن ابو حواری . داود طائی . فتح موصلی . شیبان راعی . معاف بن عمران . فضیل بن عیاض .

### یحیی بن معاذ رازی

از زاهدان شبزنده‌دار ، و عابد بود ، و پیروانی داشت ، و در سال دویست و شش درگذشت . و این کتاب از اوست : کتاب (مراد) المریدین .

### الیمانی

عمر بن محمد بن عبدالکریم ، مکنی بابو حفص ، از زاهدان و صوفیان بود . و این کتاب از اوست : کتاب قیام اللیل والتهجد .

### بشر بن حارث

عابد و زاهد بود ، و در سال دویست و بیست و هفت درگذشت . و این کتاب از او است . کتاب الزهد .

## نام زاهدان و صوفیانی که تصنیفاتی داشتند و نام آن تصنیفات

### حارث بن اسد

محاسبی بغدادی، از زاهدانی است که در عبادت و زهد و پند و موعظه، سخن رانیهائی داشته و فقیه و متکلم برجسته بود. در حدیث نیز نگارشاتسی دارد و برویه عابدان و زاهدان معرفت داشت و در سال دویست و چهل و سه در گذشت، این کتابها از اوست: کتاب التفکر والاعتبار. خطیب گوید، که او در زهد، و اصول دیانت، و رد بر معتزلیان کتابهای زیادی دارد.

### عبدالعزیز

بن یحیی مکی، در طبقه حارث، و نامش عبدالعزیز بن یحیی بن عبدالملک بن مسلم بن میمون کنانی است، که متکلم برجسته بود، و در کلام، و زهد کتابهایی داشت و در... وفات یافته، و از کتابهای اوست: کتاب الحیده فیما جری بینہ و بین بشر المریسی.

### منصور بن عمار

کنیه اش ابوسری و از زاهدان پاکدامن بود، و نام آنچه را که از وی فرامیگرفتند مجلس گذاشته بود نه کتاب، و از آن جمله است: مجلس فی الحسن<sup>۱</sup>. مجلس الدیباچ. مجلس صفة الابل. مجلس النمل<sup>۲</sup>. مجلس فی ذکر الموت. مجلس فی حسن الظن بالله. مجلس فی العینة والدین. مجلس فی البلی. مجلس السحاب علی اهل النار. مجلس فی انظر و ناقتبس من نور کم<sup>۳</sup>. مجلس فی الغمسة فی النار<sup>۴</sup> مجلس العرض علی الله عز و جل. مجلس التقفوریة فی الغزو. مجلس المسجا فی ذکر الموت.

۱- ف (فی الجنین) در ش - نقطه ندارد و احتمال می رود (فی الحنین) باشد.

۲- ف (السبیل) در ش - نقطه ندارد و احتمال دارد (النیل) باشد.

۳ و ۴ - ش - این مجلس و مجلس بعد از آنرا بصورت عمودی نوشته که اولی در بالا، (مجلس فی انظرونا) و در زیر آن (نقتبس من نور کم) است. و دومی در بالا (مجلس فی الغمسه) و در زیر آن (فی النار) است و ظاهراً فلوکل از روی اشتباه آنرا افقی خوانده که قسمت بالا بهم مخلوط شده و چنین است (مجلس فی انظرونا مجلس فی الغمسه) و در قسمت دوم نیز کلمه مجلس بر آن افزوده و نوشته است (مجلس نقتبس من نور کم فی النار) در صورتی که اولی صریح آیه قرآن در سوره حدید آیه ۱۲ است (ر. ک. چاپ فلوکل ص ۱۸۴ یا چاپ مصر در سال ۱۳۴۸ - ص ۲۶۱).

### برجلانی

نامش محمد بن حسین، مکنی بابو جعفر. کتابهای درزهد و پرهیزکاری تألیف کرده است. وفاتش در.... و این کتابها از اوست: کتاب الصحبة. کتاب المئیمین. کتاب الجود والکرم. کتاب الهمة. کتاب الصبر. کتاب الطاعة.

### عتبة غلام

یکی از زاهدان است. و این کتاب از اوست: کتاب رسالته فی الزهد.

### ابن ابوالدنیا

نامش عبیدالله بن محمد بن عبید، مکنی بابوبکر، از قرشیان و فرزندان<sup>۱</sup>.... بود و سمت ادب آموزی مکتفی بالله را داشت. مردی پرهیزکار و زاهد و عالم باخبار و روایات بشمار میرفت. و در روز سه شنبه چهاردهم جمادی الاخر سال دویست و هشتاد و یک در گذشت. این کتابها از اوست: کتاب مکاید الشیطان. کتاب الحلم. کتاب فقه النبی علیه السلام. کتاب ذم الملاهی. کتاب ذم الفحش. کتاب العفو. کتاب ذم المسکر. کتاب التوکید. کتاب فضل شهر رمضان. کتاب صدقة الفطر. کتاب تزویج فاطمه علیها السلام<sup>۳</sup>. کتاب القرائة. کتاب الاصوات. کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر. کتاب الهم والحزن والکمد. کتاب الاخلاص فی النية. کتاب الطواعین. کتاب الصبر و آداب اللسان. کتاب النوادر. کتاب الرغائب. کتاب التوابع. کتاب اخبار قریش. کتاب ذم الدنيا. کتاب صفة المیزان. کتاب صفة الصراط. کتاب الموقف. کتاب شجرة طوبا. کتاب سدرة المنتهی. کتاب مکارم الاخلاق. کتاب ذکر الموت والقبور. کتاب فعل المنکر. کتاب التقوی. کتاب زهد مالک بن دینار.

### ابن جنید

نامش.... و این کتابها از اوست: کتاب المحبة. کتاب الخوف. کتاب الروع. کتاب الرهبان.

۱- ف (من ولاء) ش (من ولد) باضافه نقطهها.

۲- ف (رضی الله عنها).

## مصری

ابوالحسن علی بن محمد بن احمد . نژادش از سامرا و در سال دویست و پنجاه و هفت در همانجا بدنیا آمد. و تربیت یافته بود ، و بمصر رفت ، و سپس ببغداد آمد و مردی پرهیزکار ، وزاهد ، و فقیه و عارف بحدیث بود وفاتش در سال سیصد و سی و هشت و این کتابها در زهد از اوست : الكتاب الكبير - مشتمل برچهل کتاب ، که از آن جمله است ، کتاب قیام اللیل . کتاب المتحاین . کتاب المراقبة . کتاب الصمت . کتاب الخوف . کتاب التوبة . کتاب الصبر . کتاب الاناث والمجانین . کتاب الجامع الصغير فی الاداب . کتاب الحدیث فی الزهد . کتاب التواضع حدیث . کتاب الاخلاص .

و بجز اینها ، در فقه نیز این تألیفات را داشت : کتاب المناسک . کتاب الطهارة . کتاب الصلوة . کتاب الفرائض . کتاب النية . کتاب الزکوة . کتاب الصیام . کتاب فضل الفقر علی الغنی .

## گروهی دیگر از صوفیان

### غلام خلیل

نامش عبدالله بن احمد بن محمد بن غلاب بن خالد بن فراس باهلی ، معروف بغلام خلیل . وفاتش در .... و این کتابها از اوست : کتاب الدعاء . کتاب الانقطاع الی الله جل اسمه . کتاب الصلوة . کتاب المواظ .

### سهل تستری

بن عبدالله بن یونس بن عیسی بن عبدالله بن رافع تستری صوفی . وفاتش در ..... و این کتابها از اوست : کتاب دقائق المحبین . کتاب مواظ العارفين . کتاب جوابات اهل الیقین .

### فتح موصلی

بنده زر خرید ، و زاهد صوفی منش بود . کتابی از او بدست نیامده ، ولی سخنانش را بخاطر میسپردند ، والفاظش را نوشته و آویزان میداشتند .

### ابو حمزه صوفی

نامش محمد بن ابراهیم . این کتابها از اوست : کتاب المنتمین من السیاح والعباد والمتصوفین . که آنها یکی از صوفیان بنام ابوالحسن احمد بن محمد دینوری از وی روایت کرده است ، و از این شخص من اینها را دیده‌ام<sup>۱</sup> : کتاب الابدال . کتاب موطن العباد .

### محمد بن یحیی ازدی

یا - آدمی - این تردید از من است - و این کتاب از اوست : کتاب التوکل - که آنها ابوعلی محمد بن معن بن هشام ، از وی روایت کرده است .

### جنید بن محمد بن جنید

این شخص از فرزندان جنید اولی نمیشد . وی از متکلمان مذهب صوفیه بعد از سال سیصد بود . و این کتابها از اوست : کتاب امثال القرآن . کتاب الرسائل . مشتمل بر...

### سخن درباره مذاهب اسماعیلیه

ابو عبدالله رزام در کتابیکه بررد اسماعیلیه نوشته ، و پرده از مذاهب آنان برداشته ، گفتاری دارد که ما آنها را با همان الفاظ در اینجا میآوریم ، و عهده دار صدق و کذب او نیستیم .

وی گوید : عبدالله بن میمون معروف بقداح ، از مردم قوزح العباس ، نزدیک شهر اهواز بود . پدرش میمون - که فرقه معروف بمیمونیه منسوب باوست - پیروی خود را از دعوی ابو خطاب محمد بن ابو زینب در خدا بودن علی علیه السلام<sup>۲</sup> آشکار ساخت . میمون و پسرش هر دو از دیصانیان<sup>۳</sup> بودند . و عبدالله مدتها دعوی پیامبری کرده ، و شعبده‌هایی داشته ، و میگفت زمین زیر پایم بهم در پیچد ، و بهر جا که خواهم در کوتاهترین مدت میروم . و خبر از حوادثی که در شهرهای دور اتفاق میافتاد میداد . و جیره خوارانی در همه جا داشت که در اثر بذل و بخششهای فراوانی در کارهای اسرار آمیزش ویرا یاری و همراهی

۱- ف (وله من الکتب) ش (ورایت لهذا الرجل) .

۲- ف (رضی الله عنه) . ۳- رجوع کنید بدیصانیان این کتاب ص ۶۰۲ .

میکردند ، و کبوترانی با خود داشتند که از جاهای مختلف باقامتگاهش روانه مینمودند، و او با طرفیان خبرهائی را که بدست میآورد داده و آنان را گمراه میکرد . پس از مدتی بعسکر مکرم<sup>۱</sup> نقل مکان کرد، ولی چون در سختی و فشار قرار گرفت ، از آنجا بگریخت، و دوخانه<sup>۲</sup> که در محله معروف بساباط نوح داشت درهم کوبیده شد ، در جای یکی مسجدی برپا شد و يك خانه دیگر هنوز بحال ویرانی باقیست . پس ازان بیصره رفت ، و بر گروهی از فرزندان عقیل بن ابوطالب درآمد .

در آنجا نیز در تنگنای سختی افتاد ، و بسلمیه<sup>۳</sup> نزدیک حمص<sup>۴</sup> فرار کرد، و در آنجا کشتزارهائی خرید ، و دعوات خود را با طرف کوفه گسیل داشت . در اینجا مردی به نام حمدان بن اشعث ملقب بقرمط، که برای کوتاهی اندام و پاهایش ویرا بآن لقب میخواندند، دعوت او را پذیرفت . قرمط در دهکده قس بهرام کشاورزی و نقاری<sup>۵</sup> داشت . و چون بسیار با هوش و تیز فهم بود سمت ریاست پیدا کرده، و عبدان، صاحب تصنیفاتی را که بیشتر آنها منحول بود ، برای نشر دعوت خود برگزید . و او دعواتی با طرف کوفه فرستاده و اقامتگاه خود را در کلوآزی<sup>۶</sup> قرار داد . و عبدالله بن میمون یکی از پسران خود را معین کرد که از طالقان<sup>۷</sup> با وی مکاتبه نماید . و این ماجری در سال دویست و شصت و یک بود . سپس عبدالله در گذشت ، و پسرش محمد جانشین او گردید . پس از مرگ محمد ، میان دعوات وهم کیشانشان<sup>۸</sup> اختلافی پیدا شد، برخی برادرش احمد بن عبدالله را جانشین اودانستند، و دیگران عقیده داشتند کسیکه جانشینی او را دارد ، پسر اوست که نامش احمد و ملقب باوشلعلع است.

۱- رجوع کنید ص ۱۰۲ این کتاب .

۲- سلمیه شهر کوچکی در طرف حما از توابع حمص است (معجم البلدان) .

۳- حمص بکسر اول و سکون دوم شهر مشهور قدیمی و بزرگیست که میان دمشق و حلب واقع است (معجم البلدان) .

۴- نقار - سوراخ کننده سنگ یا تخته (اقرابالموارد) .

۵- کلوآزی دهکده ایست که در شاه راه میان بغداد و مدائن قرار داشت و در دوران بنی عباس شهر مهمی گردید (ر.ک. دلیل خارطة بغداد ص ۳۱) .

۶- طالقان نام دومحل است یکی در خراسان میان مرو رود و بلخ . و یکی هم میان اَبهر و قزوین (معجم البلدان) .

۷- ف (و اهل محلتهم) ش (و اهل نحلتهم) و نحلته - مذهب و دیانت است (اقراب - الموارد) .

پس از این جریانات سعید بن حسین بن عبدالله بن میمون ، بدعوت مردم برخواست ، زیرا حسین در حیات پدر از دنیا رفته بود و از طرف سعید آن دعوت در بنی علیص کلبیان انتشار یافت . عبدالله و پسرانش پس از بیرون رفتن از بصره همیشه دعوی انتساب بخاندان عقیل را داشتند ، و در بصره پایه آن را استوار کرده بودند ، این مذهب از ناحیه آنان همه جا انتشار یافت ، و دعواتشان بری ، طبرستان ، خراسان ، یمن ، احساء<sup>۱</sup> ، قطیف<sup>۲</sup> و فارس<sup>۳</sup> روی آوردند . بعد سعید بمصر رفت<sup>۴</sup> ، و ادعا کرد که از علویان و فاطمیان بوده ، و خود را عبیدالله نامید . و با نوشری<sup>۵</sup> و اشراف و بزرگان درباری معاشرت داشت ، و در اموال دولت و لخرجهائی نموده<sup>۶</sup> ، و این خبر که بمعترض رسید ، امر بدستگیری او داد . ولی او بمغرب<sup>۷</sup> گریخت . و چون دعواتش در طائفه از بربریان آنجا را بدست آورده بودند ، و سخنانش در آنجا معروفیتی پیدا کرده بود ، تصمیم گرفت در همانجا بماند ، و از آنجائیکه حس کرد دعوی انتسابش بعقیل مورد قبول مردم نیست ، پسر بچه کم سنی را نشان داده و وانمود کرد که از فرزندان محمد بن اسماعیل ، و نامش حسن ، ابوالقاسم است . و بعد از عبیدالله او قائم بامر میباشد .

در دوران حسن بسیاری از پیروانش کارهائی کردند که موجب استخفاف دین و مذهب ، و وهن مقام نبوت گردیده ، از این رو مردی بمخالفت باوی برخواست که معروف بابو یزید محتسب ، و نامش مخلد بن کیداد بربری براتی<sup>۸</sup> ، و از بنی یقرن<sup>۹</sup> اباضی بکاوی<sup>۱۰</sup> بود که به صاحب الحمار شهرت داشت ؛ و گروه زیادی پیاری و همراهی او درآمده ، و با حسن جنگیده ،

۱- احساء شهر معروفی در بحرین است که بانی آن ابوطاهر حسن بن ابوسعید جنانی قرمطی بود (معجم البلدان) .

۲- قطیف در شمال شرقی جزیره العرب در ساحل دریای فارس است که مرکز آن هفوف نامیده میشود (قاسم الاعلام ترکی) .

۳- ف (قدس) .  
 ۴- ش - در حاشیه دارد ( این درهم و برهم است . و کسی را که سعید نامیده . همان عبیدالله مهدیست که پسرش ابوالقاسم ملقب بقائم بوده ، و با او بمصر آمده و از آنجا بمغرب رفت ، و معلوم نیست چرا چنین درهم و برهم کرده است ، انتهی) .  
 ۵- نوشری - عیسی ، اولین والی دوره عباسیان بود که بعد از افتادن دولت طولونی ، بر مصر حکومت داشت ( کتاب الولاة والقضاة - تألیف الکندی ص ۲۵۸-۲۶۷) .

۶- ف (تخوق) ش (تخرق) .

۷- رجوع کنید بصفحه ۳۴ همین کتاب .

۸- ف (الزنانی) .

۹- ف (یقرن) .

۱۰- ف (النکاری) .



و او را در مهدیه<sup>۱</sup> محصور داشتند تا زمانیکه از دنیا رفت<sup>۲</sup>. پس از حسن پسرش اسماعیل، مکنی با بوطاهر جانشین او گردید، و بتعظیم و احترام شریعت کوشید. و ابویزید چون اباضی<sup>۳</sup> بودن خود را آشکار کرده بود، مردم از او بر گشته و او را کشته، و بدار آویختند. و این ماجری در سال سیصدوسی و شش بود، و در سال چهل، همان اوضاع زمان حسن، و استخفاف بدین و مذهب، در شهر رواجی پیدا کرد، ولی خداوند زود اسماعیل را از میان برداشت. و پسرش معد ابو تمیم بجای او نشست، وی نیز در سال ..... در مصر وفات یافت، زیرا در سال ... آن را گشوده بود، و پسرش نزار بن معد، مکنی با بو منصور جانشین او گردید.

### در جای دیگر چنین آمده

عبیدالله در سال سی و هفت ابوسعید شعرانی را بخراسان روانه کرده و او با تظاهر بشیعه بودن، سرکردگان قشونی را درباره خود باشتباه انداخته، و بسیاری از مردمان را فریب داد. و پس از آنکه از دنیا رفت، حسین بن علی مروزی جانشین او گردید، و در کار خود توانائی پیدا کرد، و نصر بن احمد او را بزندان افکنده و در زندان وفات یافت. نسفی جای او را گرفته. و نصر بن احمد را فریب داده، و او را از پیروان خود نموده و یکصد و نوزده دینار، که هر دیناری معادل هزار دینار بود، خونبهای مروزی را از وی گرفت، و چنین وانمود کرد که آنرا برای صاحب مغرب که قائم بامر است، میفرستد. نصر بیمار و بستری گردیده و از پذیرش درخواست نسفی پشیمان شده و این پشیمانی را بهمه گفته، و وفات یافت. نوح بن نصر فقهاء را جمع نموده و نسفی را در آن مجلس حاضر کرده، و آنان با وی مناظره نمودند، و ویرا مفتضح و رسوا ساختند، و نوح چهل دینار از آن پول را پس گرفت، و نسفی و دعوات او، و بزرگان و سردارانی که داخل در دعوت او شده بودند، کشته و بکلی نابودشان کرد.

### حکایت دیگر

اول کسیکه از بنی قداح بشهر ری، و آذربایجان. و طبرستان رفت، یکمرد پنبه زن

۱- مهدیه در افریقا و منسوب بمهدیست و تا قیروان که در جنوب آن قرار دارد دو منزل راه است (معجم البلدان).

۲- ش در حاشیه دارد (این هم درهم و برهم است).

۳- رجوع کنید بصفحه ۳۴۱ این کتاب.

بود ، و پس از مردن ، پسرش جای او را گرفت . و پس از مردن آن پسر ، غیاث نامی جانشین او گردید . و با مردن غیاث پسرش و یکنفر دیگر بنام محروم ، جانشین او شدند و آن پسر که در گذشت ، ابوحاتم ورسنانی بجایش نشست . و این شخص در ابتدا دو گانه - پرست بود ، بعد دهری شد ، بعد بتذبذب<sup>۱</sup> و شك و تردید افتاد . و لن در یمن ، و فارس و احساء دعواتشان همان کسانی بودند که از طرف عبدالن خلیفه و داماد حمدان قرمط و یا از طرف سائر دعوات بآنجا رفته بودند .

### حکایت دیگر

پیش از بنی قداح ، و در همان اوان ، کسانی بودند که تعصب زیادی برای مجوس و دولت و فرمانفرمانی مجوسیان داشته و کوشش میکردند که آنها دوباره بر سر کار آیند . و در اوقات مختلف ، گاهی در پنهانی و گاهی آشکار ، با دسیسه و حيله بازی سبب حوادث ناگواری در اسلام میشدند . گویند ابو مسلم خراسانی - صاحب دعوت - نیز هواخواه آنان بوده ، و در این زمینه کار میکرد ، و سبب نابودیش همین شد . و از کسانی که این کار را پیشه خود ساخته و آشکارا پرده از آن برداشت ، بابک خرمی<sup>۲</sup> است که شرح آن در مقاله نهم خواهد آمد .

و کسیکه با عبدالله در این کار زمینه سازی و همراهی داشت ، مردی بود بنام محمد بن حسین ، ملقب بزیدان از محال کرج<sup>۳</sup> ، کاتب احمد بن عبدالعزیز بن ابودلف . و او در فلسفه و نجوم مهارت داشت ، و از شعوبیان<sup>۴</sup> کینه ورزی نسبت باسلام بوده ، و عقیده با اثبات و پایداری نفس ، و زمان ، و مکان ، و هیولا داشت ، و برای ستارگان اثرات روحانی قائل بود . و شخص مورد اعتمادی بمن گفت ، که او بخیال خود ، در احکام نجومی دیده بود که دولت اسلام منتقل بدولت ایرانیان میگردد ، و دینشان - که مجوسیت باشد - در هشتمین مقارنه انتقال مثلثه<sup>۵</sup> از برج عقرب است ببرج قوس ، که برج عقرب دلالت بر ملیت ، و برج قوس - دلالت بر کیش ایرانیان دارد ، و بهمین جهت میگفت : امیدوارم ، که سبب این تحول من باشم . و چون ثروتمند . و با همت . و حيله گر بود ، بزمنه سازی برای این دعوت ، و پشتیبانی از این قداح پرداخته ، و از همراهی ، و کمکهای مالی با او کوتاهی نداشت . این دو نفر در

۱ - ف (تزدق) . ۲ - در متن عربی (خرمی) .

۳ - کرج محرکه شهر ابودلف عجلی است (منتهی الارب) .

۴ - شعوبیان گروهی بودند که برغرور و خودپسندی عربان و تحقیر سائر اقوام بدیده

انتقاد نگاه میکردند (تاریخ ادبیات ایران تألیف آقای دکتر صفا ج ۱ - ص ۲۵-۲۹) .

۵ - مثلثه برج عقرب عبارتست از برج سرطان و عقرب و حوت (فرهنگ نفیسی) .

عسکراً با هم ملاقات نمودند ، زیرا زیدان از طرف حمویه وزیر ابوآدلف برای تقاضای امارت بر مکه ، ومدینه و اظهار اطاعت و انقیاد بدربار و درباریان بآن شهرآمده و در همانجا وفات یافته ، و کارها یکسره ، بدست ابن قداح افتاد .  
این بود آنچه که در این باره بدست آورده ایم ، و خداوند بهتر از همه بصحت و بطلان آن آگاه است .

### نام مصنفان اسماعیلیه

#### و تصنیفات آنان

عبدان ، که در پیش گفته شد ، از همه بیشتر کتاب تصنیف کرد ، و دیگران هم اگر تصنیفی داشتند ، باو نسبت میدادند ، و فهرستی از تصنیفات خود دارد که از آن جمله است : کتاب الرحاوالدولاب . کتاب الحدود والاشباه . کتاب اللامع . کتاب الزاهر . کتاب المیدان . و از کتابهای بزرگ است : کتاب النیران . کتاب الملاحم . کتاب المقصد . و همین کتابهای احمقانه<sup>۳</sup> ، موجود و متداول میان آنان بوده ، و باقی محتویات آن فهرست را ندیده ایم ، و کسی را سراغ نداریم که آنها را دیده باشد .

و بلاغات هفتگانه دارند که عبارتست از : کتاب البلاغ الاول - برای همه مردمان . کتاب البلاغ الثانی - برای کسانی که کمی بالاتر رفته اند . کتاب البلاغ الثالث - برای آنهایی که یکسال از ورودشان باین مذهب میگذرد . کتاب البلاغ الرابع - برای آنهایی که دو سال باین مذهب درآمده باشند . کتاب البلاغ الخامس - برای آنهایی که سه سال در این مذهب هستند . کتاب البلاغ السادس - برای کسانی که چهار سال در این مذهب هستند . کتاب البلاغ السابع - که در آن نتیجه این مذهب و مکاشفات بزرگ آن است .

محمد بن اسحاق گوید : این کتاب را من خواندم ، و در آن چیزهای مهمی از اباحه محظورات و توهین بشرائع و پیروان آن ، دیدم .

و از بیست سال باینطرف ، این مذهب روبکمی گذاشته ، و کمتر دعائی در آن دیده شده ، و تصنیفی هم از آنها دیده نشده است ، و حال آنکه در آغاز دوران معزالدوله<sup>۴</sup> آشکارا

۱- ر.ك. بصفحة ۱۰۲ این کتاب . ۲- ف (ابن) .

۳- در متن دارد - فهذه الكتب بلغة - و بلغت ، با تاء احمقی است که با حماقت خود بمراد رسد (منتهی الارب) . ۴- معزالدوله ، نامش احمد و سومین نفر از خاندان آل بویه است که در سال ۳۳۴ بغداد را گرفته و تا سال ۴۴۷ بر آن حکومت و تسلط داشت (تاریخ ادبیات ایران ، تألیف دکتر صفا ص ۲۱۱-۲۱۲) .

در همه جا شهرت و معروفیتی داشتند ، و دعواتشان در هر گوشه و کناری دیده میشد . و این چیز است که ما در این شهرستانها میدانیم و ممکن است که در سائر نقاط ، مانند جبل و خراسان همان وضعیت سابق موجود باشد . اما در مصر وضعشان مبهم است ، و از فرمانفرما و صاحب آن مرز و بوم چیزی دیده نمیشود که حکایت از چیزهایی کند که درباره او و پدرانش میگفتند ، و جریان کارها جز آنست که بود .

### مصنفان آنان - نسفی

در پیش گفته شد ، و این کتابها از اوست : کتاب عنوان الدین . کتاب اصول الشرع . کتاب الدعوة المنجیة .

### ابوحاتم رازی

نامش .... و این کتابها از اوست : کتاب الزینة . کتاب بزرگیست در حدود چهارصد ورق . کتاب الجامع - در فقه و چیزهای دیگر .

### بنوحماد از موصلیان

از زمره دعاتی بودند که از طرف ابویعقوب خلیفه امام ، و مقیم در ری بالجزیره<sup>۱</sup> و اطراف آن رفتند و کتابهایی تصنیف نموده برمصنفات عبدان فرودند و از آن جمله است : کتاب الحق النیر . کتاب الحق المبین . کتاب بسم الله الرحمن الرحیم .

### مرد معروف بابن حمدان

نامش .... در موصل او را دیدم ، و پس از مرگ بنوحماد ، او از دعا بود ، و کتابهای زیادی تألیف کرده ، که از آن جمله است : کتاب الفلسفة السابعة .

### ابن نفیس

ابوعبدالله ، از بزرگان دعوات ، و سمت جانشینی ابویعقوب را در بغداد داشت ، و برای

۱- الجزیره - شهرهایی اطلاق میشود که میان دجله و فرات است و معروف به بین النهرین بوده و شمال غربی آن را الجزیره ، و جنوب شرقی آن را عراق گویند (اعلام المنجد) .

پاره چیزهاییکه ابوعقوب از وی شنیده بود ، از وی روی بگردانید و گروهی از ایرانیان را فرستاد که او را در خانه‌اش<sup>۱</sup> بناگاه کشتند ، و کتابی از او دیده نشده و قتلش در سال .... بود .

### دیلمی

این شخص همپایه ابو عبدالله بود ، و این دونفر برای ریاست با هم کشمکش داشتند ، و سالها پس از ابوعبدالله زنده بود ، و تألیفی ندارد .

### حسابادی

نامش .... و من او را دیده ، و با پیروانش بنزد ار میرفتم ، منزلش در ناحیه بین-القصرین<sup>۲</sup> و کارهایش ظریف ، و معانی عبارات و سخنان و هرچه را که بیان میکرد شگفت-آور بود ، و برای پیش آمدی که در بغداد ، پس از تبعید شیر مدی دیلمی ، برایش دست داد ، بآذربایجان رفت ، از طرفداران شیر مدی بود .

### حلاج و مذهب او

#### و حکایاتی که از وی شده و نام کتابهای او و پیروانش

نامش حسین بن منصور ، و درباره شهر و محل نشو و نمایش اختلاف است ، بعضی او را از خراسان ، و بعضی از نیشابور ، و بعضی از مرو ، و بعضی از طالقان ، و بعضی از اصحابش او را از ری ، و دسته دیگر او را از کوهستان دانسته‌اند ، و البته بدرستی چیزی در این امر بدست نیامده است .

بخط ابوالحسین عبیدالله بن احمد بن ابوطاهر خواندم : حسین بن منصور حلاج ، مرد افسونگر و شعبده بازی بود که صوفی منشی داشت و بالفاظشان خودی میآراست ، و ادعا میکرد که عالم بتمام علوم است ، درحالیکه در همه علوم چون صفری بود . از کیمیا چیز کمی میدانست ولی جاهلی بود بی پروا ، و سرسخت ، و نسبت پپادشاهان جسور ، و در واژگون کردن دولتها از ارتکاب هیچ گناه بزرگی روگردانی نداشت . در نزد پیروانش

۱- ف (فی کاره) ش (فی داره) .

۲- ناحیه بین القصرین محله‌هاییست میان قصرالخلد و قصرالقرار ، و از بناهای منصور در بغداد است (دلیل خارطة بغداد ص ۷۵) .

دعوی خدائی میکرد و قائل بحلول بود . در مقابل پادشاهان خود را شیعه ، و در پیش عامه مردم ، خود را صوفی منش جلوه میداد ، و در لابلای تمام اینها ادعا داشت که خدا در او حلول کرده ، و او همان خداوند است . و حال آنکه خداوند تبارک و تعالی بالاتر از این سخنان است .

و باز گوید : وی شهر بشهر میگشت ، و هنگامیکه دستگیر شد ، ویرا بابوالحسین علی بن عیسی سپردند ، و او با وی مناظره‌ها داشته ، و دید که هیچ بهره از علوم قرآنی ، و فقه ، و حدیث ، و شعر ، و علوم عربیت ندارد ، از این رو بوی گفت ، تو اگر طهارت و واجبات خود را آموخته بودی فائده‌اش بیشتر از این نامه نگاریهائی نود . که ندانی در آنها چه میگوئی ؛ وای بر تو ، چقدر بمردم مینویسی ، فرود آید آن صاحب نور شعشعانی که بعد از تشعشع پرتو افشانیهائی دارد . و تویی اندازه سزاوار تأدیب و تنبیه هستی . سپس امر کرد او را در طرف شرقی ، در محل مجلس شرطه ، و همچنین در طرف غربی ، آویزان دارند و بعد بدارالحکومه برده ، و در آنجا بزندان اندازند . و او با چرب زبانی ، خود را بآنان نزدیک کرد ، آن چنانکه گمان بردند که در گفتارش حق بجانب اوست .

و در روایتی آمده ، که وی در آغاز کارش مردم را به پیروی از رضا آل محمد دعوت مینمود ، و چون از وی سعایت شد ، در جبل<sup>۱</sup> دستگیر گردیده ، و بتازیانه بستند . و گویند ابوسهل نوبختی را بخود دعوت کرد ، و نوبختی بفرستاده وی گفته بود : من سرسلسله مذهبی میباشم ، و دنبال من هزاران نفرند که اگر من دعوت ویرا اجابت نمایم آنان نیز از من پیروی خواهند کرد ، اگر موی سر مرا که از جلو ریخته است دوباره برویاند ، من چیز دیگری از وی نخواهم خواست ، و آن فرستاده رفت ، و دیگر بر نکشت .

روزی دست را تکان داد که بر گروهی مشک بارید . و باردیگر دست را تکانی داده و از آن سکه درهم فروریخت ، یکی از حاضران ، که فهمیده و با هوش بود ، بوی گفت ، این که همان درهم معروف است ، و من بتو ایمان آورم اگر درهمی بدهی که بر آن نام تو و پدرت باشد ، گفت این کار شدنی نیست ، زیرا چنین درهمی ساخته نشده ، آن مرد گفت ، کسیکه حاضر میکند چیزی را که حاضر نیست ، پس باید بتواند چیزی را بسازد که ساخته نشده باشد .

زمانیکه بنصر حاجب سپرده شده بود ، نصر را فریب داد . و در کتابهایش دیده شد ، که خود را غرق کننده قوم نوح ، و هلاک کننده عاد و ثمود خوانده است . و همینکه کارش بالا گرفت ، و شهرت یافت ، و سلطان وقت بردرستی و صحت آن آگاه گردید ، دستور داد

هزار تازیانه بوی زنند، و دستهایش را بریده و سپس ویرا در آتش بسوزانند . و این ماجری در آخر سال سیصدونه اتفاق افتاده است .

### سبب دستگیری وی

بخط ابوالحسن بن سنان خواندم . در سال دویست و نود و نه کارهای حلاج برملا شده و شهرت یافت ، و سبب دستگیریش این شد ، که رئیس چاپارخانه شوش<sup>۱</sup> از خانه‌های پشت حصار شهر که در زمینهای مفروز قرار داشت، میگذشت ، زنی را در یکی از کوچه‌ها دید که میگوید : مرا رها کنید ، ورنه خواهم گفت ، بعربهاییکه در خدمتش بودند ، امر کرد او را دستگیر کردند ، و از او پرسید ، چه پیش خودداری ، جواب داد هیچ ندارم او را بخانه برده و تهدید کرد . زن گفت : مردی در کنار خانه من فرود آمده که او را حلاج خوانند ، و گروهی شب و روز به پنهانی بر وی درآیند ، و سخنانی برخلاف رضای خداوند با هم دارند ، فوراً بهمراهان خود ، و مأموران دولتی دستور داد آن خانه را جستجو و کاوش نمایند ، و آنان بدستور او عمل کرده ، و مردی را که موهای سر و ریش او سفید بود با هرچه همراه داشت دستگیر نمودند ، که از آن جمله ، مقداری نقدینه ، و مشک ، و جامه ، و عسفر<sup>۲</sup> و عنبر ، و زعفران بود . آن مرد گفت ، شما از من چه میخواهید ، گفتند تو حلاج هستی ، وی منکر شده ، و اظهار داشت ، من نه حلاج هستم ، و نه حلاج را میشناسم ، ویرا بخانه علی بن حسین رئیس چاپارخانه بردند ، که در اطاقی ویرا زندانی کرده ، و از وی تعهد گرفت که فرار نکند و هرچه از دفتر ، و کتاب ، و پارچه‌هایی که همراهش بود ضبط کردند . این خبر که در شهر پیچیده شد ، مردم برای دیدنش آمدند ، و علی بن حسین از وی پرسید ، آیا تو همان حلاج نیستی ، وی منکر شده ، و یکی از مردمان شوش گفت ، من حلاج را بنشانه ضربتی که در سردارد میشناسم . پس از جستجو ، آن نشانه در سرش دیده شد ، و حلاج غلامی بنام د<sup>۳</sup> باس داشته که دستگیر و مدت‌ها در زندان ، زیر شکنجه و آزار بوده ، و پس از چندی با گرفتن کفیلی آزادش نموده ، و از وی سوگند گرفتند که بجستجوی حلاج در آید ، و مال فراوانی باو دادند ، او نیز در جستجوی حلاج بشهرها میرفت اتفاقاً در همان اوان بشوش درآمد ، و این خبر را که شنید بشتاب نزد مأموران حکومتی رفته ، و جریان را گفته ، و چون محقق شد که همو حلاج است ، از آنجا روانه‌اش کردند ، و آن پیش آمدها برایش دست داد .

۱- شوش یا - سوس شهریست درخوزستان که قبر دانیال در آنجاست (معجم البلدان) .

۲- عسفر - گل کافشه ، و رنگ سرخ (فرهنگ نفیسی) .

کسیکه بکشتن حلاج تصمیم گرفت ، و بمرحله اجرا گذاشت ، حامد بن عباس بود ، درحالیکه نزدیک بود سلطان ، امر برهائیش دهد . زیرا وی از راه دعا ، و تعویذات ، حامد و خدمتکاران ، وزناش را فریفته ، خود کرده ، با کم خوردن ، و بسیار نماز خواندن ، همیشه روزه داشتن آنان را فریب داده بود ، بطوریکه نصر قشوری ویرا شیخ صالح میخواند ، و حامد غلطهای او را پابرجا میکرد . تا وقتی ویرا پیاره چیزها متهم داشتند ، و وی اظهار داشت من با شما مباحله<sup>۱</sup> خواهم کرد . حامد بوی گفت : پس صحت دارد که مرتکب چیزهایی هستی ، که ادعای آنرا داری ، و او را کشته و در آتش انداخت .

### نام کتابهای حلاج

کتاب طاسین الازل والجواهر الاکبر والشجرة الزيتونة النورية . کتاب الاحرف المحدثه والازلیة والاسماء الکلیة . کتاب الظل الممدود والماء المسکوب والحیة الباقیة . کتاب حمل-النور والحیة والارواح . کتاب الصهیون . کتاب تفسیر قل هو الله احد . کتاب الابد والمأ بود . کتاب قرآن القرآن والفرقان . کتاب خلق الانسان والبیان . کتاب کید الشیطان وامر السلطان . کتاب الاصول والفروع . کتاب سر العالم والمبعوث . کتاب العدل والتوحید . کتاب السیاسة والخلفاء والامراء . کتاب علم البقاء والفناء . کتاب شخص الظلمات . کتاب نورالنور . کتاب المتجلیات . کتاب الهیاکل والعالم والعالم . کتاب مدح النبی والمثل الاعلی . کتاب الغریب الفصیح . کتاب الیقظة وبدو الخلق . کتاب القیامة والقیامات . کتاب الکبر والعظمة . کتاب-الصلوة والصلوة . کتاب خزائن الخیرات - که معروف است - بالف المقطوع ، والف المألوف . کتاب مواید العارفين . کتاب خلق خلائق القرآن والاعتبار . کتاب الصدق والاخلاص . کتاب الامثال والابواب . کتاب الیقین . کتاب التوحید . کتاب النجم اذا هوی . کتاب الذاریات ذرواً . کتاب فی ان الذی انزل علیک القرآن لرادک الی معاد . کتاب الذرة ، الی نصر القشوری . کتاب السیاسة الی الحسین بن حمدان . کتاب هو هو . کتاب کیف کان وکیف یکون . کتاب الوجود الاول . کتاب الکبریة الاحمر . کتاب السمری و جوابه . کتاب الوجود الثاني .

۱- مباحله - با یکدیگر لعنت کردن ، یعنی ، گروهی که در امری با هم اختلاف پیدا کنند ، بدور هم جمع شوند ، و گویند لعنت خدا بر آن کس که میان ما ظالم باشد فرود آید (منتهی الارب) و شاید نظر حلاج بآیه ۶۲ از سوره آل عمران در قرآن بوده که موجب خشم حامد شده است .



کتاب لا کیف . کتاب کیفیة والحقیقة . کتاب کیفیة بالمجازا .

### عبدالله بن بکیر

از شیعیان است ، و حسن بن فضال از وی روایت کرده ، و این کتاب از اوست :  
کتاب فی الاصول .

### حسین بن مخارق

از اجله شیعیان ، و این کتابها از اوست : کتاب التفسیر . کتاب جامع العلم . کتاب...

### ابوالقاسم

علی بن احمد کوفی ، از فضلاء امامیه ، و این کتابها از اوست : کتاب الاوصیاء .  
کتاب ....

### ابن کوره

ابوسلیمان بن داود بن کوره ، از مردم .... و این کتابها از اوست : کتاب الرحمة .  
کتاب .....

### قنبره

نامش اسماعیل بن محمد ، از مردم قم<sup>۲</sup> . و این کتاب از اوست : کتاب المعرفة .

### حسنى

ابوعبدالله .... و این کتابها از اوست : کتاب اخبار المحدثین . کتاب اخبار معاویه .  
کتاب الفضائل . کتاب الكشف .

۱- ش - در حاشیه دارد (در این کتابها تقدم و تأخریست) . ۲- قم در ۱۴۴

کیلومتری تهران و مرکز تشیع و آرامگاه همشیره حضرت رضا علیه السلام است .

### بلوی

نامش عبدالله بن محمد بلوی ، از قبیله - بلی - مصر است ، که از واعظان ، و فقهاء و علما بود ، و این کتابها از اوست : کتاب الابواب . کتاب المعرفة . کتاب الدین و فرائضه .

### ابن عمران قمی

ابوجعفر محمد بن احمد بن یحیی بن عمران ، فقیه ، و این کتاب از اوست : کتاب النوادر - که کتابی بزرگ است .

### زیدیه

#### داعی الی الله

امام ناصر بحق ، حسن بن علی بن حسن بن زید بن عمر بن علی بن حسین بن علی بن ابوطالب علیهم السلام ، پیرو مذهب زیدیه . ولادتش در سال .... وفاتش در سال ... و این کتابها از اوست : کتاب الطهاره . کتاب الاذان والاقامة . کتاب الصلوة . کتاب اصول الزکوة . کتاب الصیام . کتاب المناسک . کتاب السیر . کتاب الایمان . کتاب الرهن . کتاب بیع امهات الاولاد . کتاب القسامة . کتاب الشفعة . کتاب الغصب . کتاب الحدود . کتاب .... اینها کتابهایی است که ما دیده ایم ، و برخی از زیدیه بر آنند که او در حدود صد کتاب تألیف کرده است . که ما آن را ندیده ایم . و اگر کسی از خوانندگان این کتابها رادیده باشد در جای خود در این کتاب ذکر نماید . انشاء الله تعالی .

#### داعی الی الحق

حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن حسن بن زید بن حسن بن علی ، صاحب طبرستان ، که در سال دویست در آنجا خود را آشکار داشت ، و در سال دویست و هفتاد تمام آنجا را بتصرف خود درآورد ، و پس از وی برادرش محمد بن زید ، داعی الی الحق جانشین او گردیده و دیلم را بتصرف خود درآورد . و این کتابها از اوست : کتاب الجامع فی الفقه . کتاب البیان . کتاب الحجة فی الامامة .

## علوی رسی<sup>۱</sup>

قاسم بن ابراهیم بن ... صاحب صعده<sup>۲</sup> ، از زیدیه بوده ، وزیدیه قاسمیه را باونسبت دهند . و این کتابها از اوست : کتاب الاشریه . کتاب الامامة . کتاب الايمان والنذور . کتاب سياسة النفس ، کتاب الرد علی الرافضة .

## هادی

یحیی بن حسین بن قاسم بن ابراهیم حسنی . و این کتابها از اوست : کتاب الصلوة . کتاب جامع الفقه .

## مرادی

از زیدیه ، و نامش ابو جعفر محمد بن منصور مرادی ، زیدی است . و این کتابها از اوست : کتاب التفسیر الکبیر . کتاب التفسیر الصغیر . کتاب احمد بن عیسی ، کتاب سیرة الائمة العادله .

و کتابهایی در احکام ، مانند طهارت ، و صلوة ، بترتیب کتابهای فقه دارد . و نیز ، کتاب الخمیس و کتاب رسالته علی لسان بعض الطالبین الی الحسن بن زید بطبرستان ، از تألیفات اوست .

## عیاشی

ابونصر محمد بن مسعود عیاشی ، از مردم سمرقند ، و بقولی از بنی تمیم ، از فقهاء شیعه امامیه بود که در غزارت علم یگانه دوران خود بشمار میرفت ، و کتابهایش در نواحی خراسان اهمیت بسیاری داشته ، و جنید بن نعیم ، مکنی بابو احمد ، تصنیفات او را در پایان نامه که بابو الحسن علی بن محمد علوی نوشته ذکر نموده که ما آنرا بهمانگونه در اینجا میآوریم :

کتاب التفسیر . کتاب الصلوة . کتاب الطهارات . کتاب مختصر الصلوة . کتاب مختصر المختصر<sup>۳</sup> .

۱- ف (البرسی) .

۲- صعده از نواحی یمن است (معجم البلدان) .

۳- ف (الحیض) .

كتاب الصوم . كتاب مختصر الصوم . كتاب الجنائز . كتاب مختصر الجنائز . كتاب المناسك .  
 كتاب مختصر المناسك . كتاب العالم والمتعلم . كتاب الدعوات . كتاب الزكوة . كتاب قسم-  
 الزكوة . كتاب زكوة الفطر . كتاب الاشرية . كتاب حدالشارب . كتاب الاضاحى . كتاب  
 العقيقة . كتاب النكاح . كتاب الصداق . كتاب الطلاق . كتاب التقية . كتاب الاجوبة المسكتة .  
 كتاب سجود القرآن . كتاب القول بين القولين . كتاب معرفة الناقلين . كتاب الطب . كتاب  
 الرؤيا . كتاب النجوم والفال و القيافة والزجر . كتاب القرعة . كتاب الفرقان بين حل-  
 الماكول وحرامه . كتاب البيوع . كتاب السلم . كتاب الصرف . كتاب الرهن . كتاب الشركة .  
 كتاب المضاربة . كتاب الشفعة . كتاب الاستبراء . كتاب التجارة . كتاب القضايا وآداب الحكام .  
 كتاب الحد فى الزنا . كتاب الحدود فى السرقة ، كتاب حدالقاذف . كتاب الديات . كتاب  
 المعاقل . كتاب الملاهى . كتاب معارض الشعر . كتاب السبق و الرمى . كتاب قسم الغنيمة  
 والفيثى . كتاب الدين والحماله و الحوالة . كتاب القبالات والمزارعة . كتاب الاجارات .  
 كتاب الهبة . كتاب الزهد . كتاب الاحباس . كتاب القبلة . كتاب الجزية والخراج . كتاب  
 الطاعة . كتاب احتجاج المعجزة . كتاب الحيض . كتاب العمرة . كتاب مكة والحرم . كتاب  
 نكاح المماليك . كتاب مايكره من الجمع بينهم . كتاب جزافات الخطأ . كتاب جناية العبيد و-  
 الجنائية عليهم . كتاب جناية العجم . كتاب الحدود . كتاب الشروط . كتاب دية الجنين . كتاب  
 العينة . كتاب الحث على النكاح . كتاب الاكفاء والاولياء والشهادات فى النكاح . كتاب فداء  
 الاسارى والغلول . كتاب جزاء المحارب . كتاب قتال المشركين . كتاب الجهاد . كتاب  
 الانبياء والائمة . كتاب الاوصياء . كتاب المداراة . كتاب الاستخارة . كتاب دلائل الائمة .  
 كتاب الصوم والكفارات . كتاب الجمع بين الصلواتين . كتاب المساجد . كتاب المآتم . كتاب  
 فرض طاعة العلماء . كتاب الصدقة على الواجبة . كتاب الكعبة . كتاب جلدالشارب . كتاب  
 ما اتيح قتله للمحرم . كتاب وجوب الحج . كتاب باطن القرآن . كتاب الجنة والنار . كتاب  
 الصيد . كتاب الذبائح . كتاب الرضاع . كتاب المتعة . كتاب الوطى بالملك . كتاب الوصايا .  
 كتاب الموارد . كتاب البر والصلة . كتاب محاسن الاخلاق . كتاب حقوق الاخوان . كتاب  
 الايمان . كتاب النذور . كتاب النسبة والولاء . كتاب الاستيذان . كتاب عشرة النساء . كتاب  
 الشهادات . كتاب الشروط<sup>٢</sup> . كتاب اليمين مع الشاهد . كتاب العتق والكتابة . كتاب النشوز  
 والخلع . كتاب صنایع المعروف . كتاب الخيار والتخيير . كتاب العدة<sup>٣</sup> . كتاب الظهار .  
 كتاب الايلاء . كتاب اللعان . كتاب الرجعة . كتاب الصفة والتوحيد . كتاب الصلوة على  
 الائمة . كتاب الرد على من صام وافطر قبل رؤية الهلال . كتاب اللباس . كتاب اسامة على

١- ف (غير) .

٢- مكرر است .

٣- ش (العدد) .

بن الحسين . كتاب من يكره منا كحته . كتاب اثبات مسح القدمين . كتاب جوابات مسائل وردت من عدة بلدان . كتاب صوم السنة والنافلة . كتاب فروع فرض الصوم . كتاب معرفة البيان . كتاب القطع والسرقة . كتاب الملاحم . كتاب المروة . كتاب التنزيل . كتاب فضائل القرآن . كتاب الغسل . كتاب الخمس . كتاب النوادر . كتاب يوم وليلة . كتاب مختصر يوم وليلة . كتاب الوضوء . كتاب الزنا والاحسان . كتاب الاستنجاء . كتاب التيمم . كتاب تطهير الثياب . كتاب صلوة الحضر . كتاب صلوة السفر . كتاب محبة الاوصياء . كتاب المساجد<sup>۱</sup> . كتاب مختصر الطهارات . كتاب ابتداء فرض الصلوة . كتاب لبسة الصلوة . كتاب صلوة نوافل النهار . كتاب مواقيت الظهر والعصر . كتاب الاذان . كتاب حدود الصلوة . كتاب السهو . كتاب صلوة العليل . كتاب صلوة يوم الجمعة . كتاب صلوة الحوائج والتطوع . كتاب صلوة العيدين . كتاب صلوة الخوف . كتاب صلوة الخسوف والكسوف . كتاب صلوة الاستسقاء . كتاب صلوة السفينة . كتاب غسل الميت . كتاب الماتم<sup>۲</sup> . كتاب الصلوة على الجنائز . كتاب البداء . تأليفاتي كه بروايت عامه داشتند : كتاب سيرة ابي بكر . كتاب سيرة عمر . كتاب سيرة عثمان . كتاب سيرة معاويه . كتاب معيار الاخبار . كتاب الموضح . و بگفته جنيد ، كتابهاي او دويست وهشت كتاب است و جمع كننده آنها بيست وهفت كتاب را پيدا نكرده است .

### ابن بابويه

نامش علي بن موسی قمي ، از فقهاء و موثقان شيعه بود . و بخط پسرش ابو جعفر محمد بن علي ، كه بر پشت كتابي نوشته ، خواندم : بفلان پسر فلان اجازه كتابهاي پدرم علي بن حسين را - كه دويست كتاب است ، و كتابهاي خود را كه هجده كتاب است ، داده ام<sup>۳</sup> .

### ابن جنيد

ابو علي محمد بن احمد بن جنيد ، قريب العهد بزمان ما . و از بزرگان شيعه اماميه است . و اين كتابها از اوست : كتاب نور اليقين و نصرة العارفين . كتاب تبصرة العارف و<sup>۴</sup> نقد

۱- مكرر . ۲- ف (الماتم) .

۳- ظاهراً اجازه روايت از آن كتابهاست . ۴- ف (في) .

الزائف . كتاب الاسفار و هو الرد على المرتده . كتاب حدائق القدس فى الاحكام التى اختارها لنفسه . كتاب تنبيه الساهى بالعلم الالهى . كتاب استخراج المراد من مختلف الخطاب . كتاب الشهب المحرقة للاباليس المسترقة . كه ردی است بر ابوالقاسم بن بقال متوسط . كتاب الافهام لاصول الاحكام - ببيكره رساله‌هاى طبرى براى كتابهايش . كتاب ازالة الران عن قلوب الاخوان فى معنى كتاب الغيبة . كتاب قدس الطور و ينبوع النور فى معنى الصلوة على- النبي صلعم . كتاب الفسخ على من اجازالنسخ لما تم شرعه و جل نفعه . كتاب فى تفسّح العرب فى لغاتها و اشاراتها الى مرادها . كتاب فى معنى الاشارات الى ما ينكره العوام وغيرهم من- الاسباب .

### ابوجعفر محمد بن على

از كتابهاى اوست : كتاب الهدايه .

### ابوسليمان

داود بن بوزيد ، از مردم نيشابور كه منزلش همانجا در محله نجارين ، نزديك جاده طرخان ، در خانه سختويه بود . و از راويان شيعه است كه بصداقت لهجه معروفيت داشته ، و از اصحاب على بن محمد بن على عليهم السلام<sup>۱</sup> بود . از كتابهاى اوست : كتاب الهدى .

### جلودى

ابو احمد عبدالعزیز بن يحيى بن عيسى جلودى ، از بزرگان شيعه اماميه و راويان آثار و سيرت بود . و ما تأليفات او را در سيرت در مقاله اخباريان و نسابان ذكر کرده ايم ، و در فقه اين كتابها از اوست : كتاب المرشد و المسترشد . كتاب المتعة و ماجاء فى تحليلها .

### ابوالحسن

نامش محمد بن ابراهيم بن يوسف بن احمد بن يوسف كاتب ، ولادتش در سال دويست و

هشتاد و يك در حسنيه<sup>۱</sup> بوده ، و در ظاهر از فقهاء مذهب شافعی و در باطن شیعه امامیه و در هر دو مذهب از فقهاء بشمار میرفت . و کتابهای او را بمذهب شافعی در جای خود ذکر کرده ایم ، و بمذهب شیعه این کتابها از اوست : کتاب کشف القناع . کتاب الاستعداد . کتاب العدة . کتاب الاستبصار . کتاب نقض العباسية . کتاب المعتل . کتاب المفید فی الحدیث . کتاب الطریق .

### صوانی

ابو عبدالله محمد بن احمد بن عبدالله بن قضاء صفوانی . سواد خواندن و نوشتن نداشت . و در سال سیصد و چهل و شش او را ملاقات کردم ، مرد بلند بالائی بود که رگهایش نمایان ، و جامه های نیکوئی بتن داشت . و میگفت ، خواندن و نوشتن را نمیداند ، ولی شخص موثقی بمن گفت ، او اشتباه کاری میکند ، وی در سال ... در گذشت ، و این کتابها از اوست : کتاب الکشف والحجة . کتاب انس العالم . کتاب یوم وليلة . کتاب تحفة الطالب و بغية الراغب . کتاب المتعة وتحليلها والرد علی من حرمها . کتاب صحبة آل الرسول و ذکر احن اعدائهم .

### ابن جعابی قاضی

ابوبکر عمرو بن محمد بن سلام بن برآء ، معروف بابن جعابی ، از فضلاء شیعه است که پیش سیف الدوله رفته و نزد او تقرب پیدا کرده و از خاصان او گردید . وفاتش در سال ... و از کتابهای اوست : کتاب ذکر من کان یتدین بمجبة امیر المؤمنین علی علیه السلام<sup>۲</sup> من اهل العلم والفضل ، والدلالة علی ذلك و ذکر شئی من اخباره .

### ابوبشر

احمد بن ابراهیم بن احمد عمی ، قریب العهد بزمان ما بود ، و نزد جلودی املاء خود را درست میکرد . و بعد از پنجاه در گذشت . و از کتابهای اوست . کتاب محین الانبیاء والاولیاء والاولیاء .

### ابن معلم

ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان ، که در زمان ما ریاست بر شیعه امامیه

۱ - حسنيه - منسوب بحسن ، شهر است در شرق موصل که فاصله آن تا جزیره ابن عمر دو روز راه است (معجم البلدان) .  
۲ - ف (کرّم الله وجهه) .

در فقه و کلام ، و آثار دارد . و در سال سیصد و سی و هشت بدینا آمده ، و این کتابها از اوست ...

### گروهی از شیعیان که متفرقند

#### و مذهبشان معلوم نیست

#### ابوطالب

عبدالله بن احمد بن یعقوب انباری، مقیم واسط<sup>۱</sup>، که ویرا از شیعیان بابوشیه<sup>۲</sup> دانند. و ابوالقاسم بوباش بمن گفت ، که او یکصد و چهل کتاب و رساله تألیف کرده ، که از آن جمله است : کتاب البیان عن حقیقة الانسان . کتاب الشافی فی علم الدین . کتاب الامامة .

#### جعفری

منسوب بمذهب جعفر الصادق علیه السلام<sup>۳</sup> ، و نامش عبدالرحمن بن محمد ، و فرقه معروف بجعفری منتسب باو بوده ، و این کتابها از اوست : کتاب الامامة . کتاب الفضایل .

۱- واسط میان بصره و کوفه است و از این جهت آن را واسط گویند که فاصله آن بهر یک از بصره و کوفه پنجاه فرسنگ است (معجم البلدان) .

۲- بابوشیه ظاهراً از فرق شیعه نیست و احتمال جنبه انتساب بخاندان بوباش را دارد یا چنانکه یکی از فضلا تذکر داده - ناوسیه - باشد و در فهرست طوسی هم در احوال این شخص او را از ناوسیه گفته ، و ناوسیه یکی از فرق شیعه بشمار میرود . ر . ک بممل و نحل شهرستانی ج ۲ ص ۲۸۳ و عسقلانی او را ابوطالب ابن ابوزید و وفاتش را در اواسط قرن چهارم نوشته است - ر . ک . لسان المیزان - ج ۴ - ص ۹۵

۳- ف (رضی الله عنه) .



## ششمین جزء

از

کتاب الفهرست

در اخبار علماء صاحب تصنیف از قدماء و آنهائیکه

بعد پیدا شدند و نام کتابهائیکه تصنیف کرده‌اند

تألیف

محمد بن اسحاق ندیم معروف بابوالفرج

بن ابویعقوب وراق

حکامه خط المصنف  
عبد محمد بن اسحق

نمونه‌ایست از خط نویسنده نسخه

چستربیتی و تقلیدی که از خط

مصنف کرده است

مقاله فقهاء - از کتاب الفهرست<sup>۱</sup>

---

۱- در فلوکل از مقاله ششم این جزو بندی آمده و از اینجا دانسته میشود که نسخه چستربیتی را که مشتمل بر چهار مقاله اول و مقداری از مقاله پنجم است در دست نداشته است.

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقاله ششم - از کتاب الفهرست

در اخبار

علماء و نام کتابهاییکه تصنیف کرده اند

اخبار فقها

در هشت فن

فن اول

در اخبار مالکیان و نام کتابهاییکه تصنیف کرده اند

اخبار مالک

مالك بن انس بن ابوعامر ، از حمير ، وهمردیفان شان در بنی تمیم بن مرة بن قریش بود ،  
وسه سال او را بردوش میبردند ، وباندازه سپید پوست بود که بسرخ میزد ، قامتی بلند ، و  
سری بزرگ و اصلع<sup>۱</sup> داشت ، جامه های عدنی بسیار خوبی میپوشید ، و سبلیت را میتراشید

۱- اصلع مرد بیموی پیش سر (منتهی الارب) .